

بحث و بررسی دربارهٔ ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی
موات و ابطال اسناد آن، مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰ و محدوده عمل آن

غلام عسگری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اشاره:

از آن جا که در مورد زمین، وزارت خانه‌ها و سازمان‌های متعددی به طور موازی - با توجه به قوانین و آیین نامه‌ها و دستور العمل‌های سازمانی خاص خود - دخالت دارند در مقاطع مختلف زمانی بر اثر تصویب برخی مقررات که بعضاً ابهام برانگیزند و تفسیرهای متفاوتی را به دنبال دارند، دعاوی فراوانی در محاکم اقامه می‌گردد و مشکلات عملی فراوانی حادث می‌شود. مقاله حاضر بیانگر نمونه‌ای است از همین موارد نگارنده امیدوار است تحقیق و تفحصی که با اتکا بر متون فقهی و قانونی و رویه قضایی کرده، راهی برای پایان دادن به اختلافات ناشی از استنباط‌های مختلف از قانون مذکور و سایر قوانین و آیین نامه‌های مرتبط با آن که - به وسیله سازمان امور اراضی وابسته به وزارت کشاورزی از یک طرف و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور وابسته به وزارت جهاد سازندگی از طرف دیگر به وجود آمده - باشد. برای آن که منظور و مفهوم ماده واحده مذکور تا پایان مبحث در دسترس خواننده باشد، ابتدا عین ماده واحده و بعد مورد نزاع توضیح و تبیین می‌شود. سپس آرای برخی محاکم بدوی و تجدید نظر و شعبات دیوان به عنوان نمونه ذکر می‌گردد و سرانجام این آرا همراه با قوانین و آیین نامه‌های مربوط و توافق نامه دو نماینده هر دو وزارت خانه ذی ربط - وزارت کشاورزی و وزارت جهاد سازندگی - که در دو بخش نقد و بررسی می‌گردد و در پایان، از آنچه گفتیم نتیجه‌گیری خواهد شد.

بخش اول

ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده مقرر می‌دارد: «ماده واحده: کلیه اسناد و مدارک مربوط به غیر دولت اعم از رسمی و غیر رسمی مربوط به اراضی موات (یا سند مربوط به قسمتی از اراضی که موات باشد) واقع در خارج از محدوده استحقاقی شهرها به استثناء اراضی که توسط مراجع ذی صلاح دولت جمهوری اسلامی ایران واگذار شده است، باطل و این قبیل اراضی در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد تا در جهت تولید محصولات کشاورزی و صنعتی، ایجاد اشتغال و مصارف عام المنفعه و بر طرف ساختن نیاز دستگاه‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها و ایجاد مسکن و واگذاری زمین برای کسانی که مسکن ندارند حسب مورد بر اساس مقررات مربوطه اقدام نماید. ادارات ثبت اسناد مکلفند حسب اعلام هیأت‌های واگذاری زمین نسبت به ابطال سند آن‌ها و صدور سند به نام دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند.

تبصره ۱: تشخیص موات بودن اراضی خارج از محدوده شهرها به عهده وزارت کشاورزی است که از طریق هیأت هفت نفره اقدام می‌نماید و در صورتی که متصرف فعلی منکر موات بودن زمین باشد از طریق دادگاه صالح اقدام به عمل می‌آید و چنانچه دادگاه رأی به موات بودن زمین بدهد سند ابطال و از متصرف خلع ید خواهد شد.

تبصره ۲: اسناد مالکیت زمین‌های مواتی که به موجب این قانون باطل می‌شود آزاد تلقی و مطالبات ناشی از فروش این گونه اراضی منتفی می‌گردد و مطالبات دیگر طلبکاران از سایر

اموال بدهکار قابل استیفا است.

تبصره ۳: زمین‌هایی که اسناد آن‌ها باطل می‌شوند چنانچه حریم روستاها باشد جهت کارهای عام المنفعه و یا تعلیف احشام یا احداث واحدهای مسکونی روستا و سایر خدمات مورد لزوم برای روستا بر حسب مورد اختصاص داده خواهد شد.

تبصره ۴: آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت دو ماه توسط وزارت کشاورزی و ستاد مرکزی هیأت‌های واگذاری زمین تهیه و جهت تصویب به هیأت دولت تقدیم می‌گردد.

تبصره ۵: از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر ملغی می‌گردد.

سازمان امور اراضی وابسته به وزارت کشاورزی با اتکاب بر قانون یاد شده و آیین‌نامه اجرایی آن، مصوب سال ۱۳۶۶ ادعا دارد به دلیل عام بودن لفظ «موات» که زمین‌های مرتع را نیز در بر می‌گیرد اجازه دارد زمین‌هایی را که هنوز سند مالکیت آن به نام دولت تنظیم نشده - اگرچه ملی تشخیص و اعلام شده باشد - در حیطه وظایف خود از طریق هیأت‌های هفت نفره واگذاری زمین، موات اعلام کند و در نتیجه آن را به نام خود تملک کرده، به منظور اجرای طرح‌ها و اهداف خود متعاقباً آن‌ها را به اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی واجد شرایط واگذار کند.

برعکس سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور معتقد است محدوده عمل سازمان امور اراضی ارتباطی با اجرای مقررات قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور توسط آن سازمان ندارد و اصولاً ماده واحده مورد بحث مربوط به زمین‌هایی است که اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر دولتی در اختیار دارند، اعم از آن که سند رسمی یا عادی داشته باشند یا نه و کلیه زمین‌هایی که برگ تشخیص آن‌ها توسط جنگلدار به نام و عنوان مرتع - چه مشجر چه غیر مشجر - ملی اعلام شده خارج از شمول ماده واحده است و سازمان امور اراضی حق ندارد در مورد موات بودن یا نبودن آن‌ها اعلام نظر کند و این که بر تشخیص جنگلدار اعتراض شده یا نشده و حسب مورد موضوع در کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها یا کمیسیون موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها رسیدگی شده یا متعاقباً به رأی این کمیسیون توسط

ذی نفع اعتراض شده باشد و سپس دادگاه عمومی محل به اعتراض رسیدگی کرده باشد و سرانجام دادگاه تجدید نظر مرکز استان با اظهار نظر خود رأی قطعی داده باشد، مداخلیتی در موضوع ندارد و لذا لازم نیست ملی اعلام شدن زمینی به طور قطعی محقق شده باشد تا مشمول اجرای قانون مذکور - توسط سازمان امور اراضی - قرار نگیرد، بلکه به صرف این که برگ تشخیص آن دائر بر ملی بودن تنظیم شده باشد، از حوزه صلاحیت مأمورین سازمان امور اراضی خارج است.

البته هر دو سازمان در موردی که سند رسمی زمینی تحت عنوان ملی بودن یا اموات بودن صادر شده باشد، چون در هر دو صورت سند رسمی به نام دولت صادر شده اختلافی ندارند؛ با این توضیح که سازمان امور اراضی زمین هایی را که به طور قطعی ملی اعلام شده^۱ یا سند رسمی شان به نام دولت - به نمایندگی سازمان جنگل ها و مراتع کشور - صادر گردیده باشد، مشمول اجرای قانون خود قرار نمی دهد، ولی تا زمانی که سند رسمی زمینی دال بر ملی بودن به نام سازمان جنگل ها و مراتع کشور به نمایندگی از دولت صادر نشده باشد یا برابر رأی دادگاه تجدید نظر استان، ملی بودن زمینی قطعیت نیافته باشد - گرچه مراحل دیگر اجرای قانون حفاظت از جنگلها و مراتع کشور توسط سازمان جنگلبانی اجرا شده باشد - خود را تابع اجرای قانون مذکور نمی داند و در مورد این گونه زمین ها اقدام به اجرای ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی اموات از جمله اعلام آگهی موات بودن زمین و متعاقباً صدور رأی بر موات بودن آن می کند بدین لحاظ چنانچه سازمان جنگل ها و مراتع کشور مقدم بر سازمان امور اراضی در مورد زمینی مراحل اولیه اجرای قانون خود دائر بر ملی تشخیص دادن زمینی را انجام داده باشد - گرچه این ملی اعلام شدن قطعیت نیافته باشد یا سند رسمی به نام خود دریافت نکرده باشد و در همین اثنا سازمان امور اراضی در مورد این چنین زمینی رأی بر موات بودن صادر و بر همین اساس از ادارات ثبت اسناد و املاک محل سند هم دائر بر موات بودن زمینی دریافت کرده باشد - باز به خود حق می دهد برای ابطال این اسناد مالکیت

۱. با توضیحی که داده شد در حال حاضر می توانیم رأی دادگاه تجدید نظر استان مبنی بر تأیید ملی اعلام شدن زمین را رأی قطعی بر ملی بودن زمینی بدانیم و تا قبل از آن ملی بودن زمین متزلزل است.

و لو رسمی هم باشند به مرجع قضایی صالح دادخواست تسلیم کند.

نتیجه این اختلاف بدین جا انجامیده که در غالب استان‌های کشور سازمان امور اراضی (ادارات تابعه) با چاپ آگهی مبادرت به موات اعلام کردن زمین‌هایی کرده که قبلاً برگ تشخیص ملی بودن در مورد آن‌ها تنظیم شده یا حسب مورد رأی کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع کشور یا رأی کمیسیون موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی در اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها مصوب سال ۱۳۶۷ مبنی بر ملی بودن در مورد آن‌ها صادر شده است.

در این مورد متقابلاً ادارات منابع طبیعی در شهرستان‌ها اقدام به طرح دادخواست تحت عنوان ابطال آگهی موات اعلام کردن فلان زمینی - که سابقه ملی بودن داشته - کرده‌اند و چنانچه اقدامات ادارات امور اراضی به صدور رأی بر موات بودن زمین هم منجر شده باشد، دعوی ابطال رأی اقامه کرده‌اند و در صورتی که فراتر از آن سازمان امور اراضی سند رسمی دال بر موات بودن این گونه زمین‌ها را به نام خود به نمایندگی از دولت دریافت کرده باشد، دعوی ابطال سند مالکیت در مراجع قضایی شهرستان‌های مختلف کشور طرح و اقامه گردیده است. از طرف دیگر در برخی موارد ادارات منابع طبیعی برای اجرای مقررات خود - چه قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور، مصوب سال ۱۳۴۶، چه قانون حفظ و حمایت از منابع و ذخائر جنگلی کشور، مصوب سال ۱۳۷۱ - خواه قبل از این که زمینی ملی اعلام شود ادارات امور اراضی آن زمین‌ها را موات اعلام نموده باشند و خواه بعد از این که زمینی ملی اعلام شده ادارات امور اراضی معترض به ملی بودن این گونه زمین‌ها باشند اعتراض به اقدامات ادارات منابع طبیعی مبادرت به طرح دعوی به مراجع ذی صلاح کرده‌اند و می‌کنند. حال در مورد اختلافات یاد شده نمونه‌هایی از آرای صادر شده از محاکم عمومی برخی شهرستان‌ها و محاکم تجدید نظر بعضی استان‌ها و نیز نمونه آرایسی از چند شعبه دیوان عالی کشور را ذکر کرده، سپس آن‌ها را نقد و تحلیل خواهیم کرد.^۱

۱. به دلیل عدم دسترسی به اصل آرا و اخذ فتوایی از آن‌ها برخی مشخصات از جمله تاریخ‌ها و شماره‌ها

۱. دادنامه شماره ۱۱۱۶ مورخ ۱۳۷۴/۹/۲ دادگاه عمومی حاجی آباد بندرعباس

رأی دادگاه: در خصوص دادخواست اداره منابع طبیعی به طرفیت مدیریت امور اراضی استان هرمزگان به خواسته ابطال سند ثبتی و اصلاح آن مربوط به مراتع روستاهای اکبرآباد و... از پلاک ۹ فرعی از ۱۰ اصلی به مساحت... به شرح دادخواست تقدیمی و مستندات پیوست بدین توضیح... نماینده خواهان اظهار می دارد به نظر نمی رسد که در تشخیص اراضی فوق مقررات قانونی رعایت شده باشد. نتیجتاً این اداره کل بر حسب مواد قانونی به عنوان متولی اراضی ملی شده در سال ۱۳۵۰ مبادرت به تنظیم برگ تشخیص نموده است و آگهی شده است و غیر از اداره کل اصلاحات ارضی معترض نشده است و پرونده به کمیسیون ماده ۵۶ احاله و منجر به رأی به موات بودن ۲۵۰ هکتار در... و ۱۰۰ هکتار در... گردیده و بقیه اراضی ملی اعلام شده است و خواننده در دفاعیات اظهار داشته است اراضی مورد نظر در سال ۱۳۴۷ در اجرای ماده ۱۷ قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستأجر توسط اصلاحات ارضی و تعاونی روستایی بنادر و جزایر دریای عمان به نمایندگی از دولت موات تشخیص و برابر مدارک تقاضای ثبت و در سال ۴۷ ثبت و منجر به صدور سند مالکیت به شماره... تحت عنوان پلاک ۹ فرعی از ۱۰ اصلی گردیده. دادگاه با توجه به محتویات پرونده و مذاقه در اوراق پرونده و مستندات طرفین و مدافعات خواننده و با توجه به این که ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات... صلاحیت اداره خواننده را منحصر به اسناد و مدارک مربوط به غیر دولت نموده است؛ در حالی که اداره خواهان دولتی است و طبق مقررات نسبت به پیگیری موضوع و صدور آگهی تا صدور سند اقدام نموده است و با توجه به تعریف منابع طبیعی و مراتع در بند ۹ ماده یک قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و صدور پروانه چرا برای دامداران فلذا دعوی خواهان مقرون به صحت تلقی و مستنداً به تبصره یک ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات... و تبصره یک ماده ۲ آیین نامه آن حکم بر ابطال سند صادره موضوع دعوی به استثنای دو بیست

رای ظرف بیست روز قابل اعتراض می‌باشد.

۲. دادنامه شماره ۵۲/۷۶ مورخ ۱۳۷۶/۱/۳۰ شعبه پنجم دادگاه عمومی سیرجان

رای دادگاه: اداره منابع طبیعی سیرجان به طرفیت مدیریت امور اراضی سیرجان که آقای... به عنوان کارشناس حقوقی اداره خواهان و خواسته ابطال سند مالکیت امور اراضی بر روی اراضی ملی پلاک... بخش... کرمان و اصلاح آن به نام دولت و به نمایندگی از سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور طرح دعوی نموده است. دادگاه توجهاً به دادخواست تقدیمی خواهان و برگ تشخیص بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور به تاریخ ۱۳۷۰/۴/۱۲ و نامه اداره منابع طبیعی به شماره ۸۲۰۱ مورخ ۷۱/۷/۱۱ به اداره ثبت اسناد و املاک سیرجان و تقاضای صدور سند مالکیت به نام دولت و به نمایندگی اداره منابع طبیعی و از آن‌جا که مورد اختلاف مشمول مقررات ماده ۵۶ جنگل‌ها و مراتع کشور می‌باشد و مفاد آن ماده در مورد اختلاف اعمال گردیده است و وفق آگهی... شماره ۱۸۷۱۴ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۰ که اجرای عملیات مناسب در جهت حفظ و بهره‌برداری از مراتع و در پلاک مورد اختلاف (گود قماش) به اجرا درآمده است و از آن‌جا که اداره خواهان مدعی صدور پروانه‌های متعدد در مورد چرای دام و به افراد متعدد می‌باشد لذا با توجه به این‌که عملیات بدوی و اقدامات اولیه قانونی و اعلام ملی و مرتع بودن مورد اختلاف از سوی اداره خواهان اعمال گردیده است با ثبوت ملی و مرتع بودن مورد اختلاف اعلام تصمیم موات بودن مورد اختلاف از سوی اداره خواننده موجه و دارای وجاهت قانونی نمی‌باشد....

۳. دادنامه شماره ۷۴۲ مورخ ۱۳۷۴/۶/۴ شعبه اول دادگاه عمومی ساوه

رای دادگاه: در خصوص دعوی اداره کل منابع طبیعی استان مرکزی به طرفیت مدیریت امور اراضی استان مرکزی به خواسته اعتراض به آگهی مورخه ۱۳۷۳/۶/۱۱ خواننده مبنی بر اعلان موات مراتع ملی شده پلاک ۶۶ موسوم به خلخاب، نظر به این‌که بر اساس ماده یک لایحه قانونی ملی کردن جنگل‌ها مصوب سال ۱۳۴۱، عرصه و اعیانی کلیه جنگل‌ها و مراتع و... جزء اموال عمومی محسوب و متعلق به دولت می‌باشد و از آن‌جایی که به تصریح ماده ۲ قانون مارالذکر و نیز ماده ۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، مصوب سال

۱۳۴۶ با اصلاحیه‌های بعدی، حفظ، احیاء و اصلاح و توسعه و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و... متعلق به دولت به عهده سازمان جنگلبانی ایران - که ظاهراً^۱ در حال حاضر سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور این مسئولیت را به عهده دارد - است و با عنایت به این که طبق ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور، مصوب ۱۳۷۰/۷/۵^۲ تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع با رعایت تعاریف مذکور در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با وزارت جهاد سازندگی است و توجهاً به این که تاریخ تصویب قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور موخر بر تاریخ تصویب قانون مرجع تشخیص اراضی اموات و ابطال اسناد آن (۱۳۶۵/۹/۳۰) می‌باشد، لذا به نظر دادگاه با لحاظ مراتب فوق و با دقت و امعان نظر در کلیه قوانین و آیین نامه‌های موجود در زمینه جنگل‌ها و مراتع، متولی امور مربوط به جنگل‌ها و مراتع سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور می‌باشد که به تصریح قانونگذار در قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی... تشخیص منابع ملی و مستثنیات یکی از وظایف و مسئولیت‌های سازمان موصوف به شمار می‌آید. از طرفی مرتع طبیعی، چه در تعریف شرعی و قانونی اراضی اموات قرار بگیرد یا نه، به کرات در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و قوانین و آیین نامه‌های مشابه استعمال گردیده و تعریف شده است. بنابراین همین مقدار که زمینی مرتع محسوب گردد حفظ، احیاء، اصلاح، توسعه و بهره‌برداری از آن به عهده سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور می‌باشد و نهادها و ادارات دیگر مسئولیتی در این خصوص ندارند. همچنین زمان و نحوه تشخیص منابع ملی و مستثنیات موضوع ماده ۲ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع تأثیری در کاهش یا زوال مسئولیت قانونی سازمان یاد شده مسئول - سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور - ندارد و قانون مرجع تشخیص اراضی اموات و ابطال اسناد آن در صورت سستی یا عدم انجام وظیفه مراجع قانونی دیگر، مسئولیتی برای سایر نهادها و ادارات من جمله هیأت‌های هفت

۱. معلوم نیست قاضی محترم صادر کننده رأی چرا کلمه ظاهراً به کار برده با این که این موضوع کاملاً بدیهی است.

۲. تاریخ تصویب این قانون ۱۳۷۱/۷/۵ است که در حکم اشتباهاً ۱۳۷۰/۷/۵ قید شده است.

نفره موضوع تبصره یک قانون یاد شده ایجاد ننموده است. علی ایحال با توجه به مراتب مرقوم و با عنایت به این که طرفین در خصوص مرتع بودن پلاک یاد شده - با اختلافاتی در مقدار آن - و عدم سابقه احیاء آن اتفاق نظر داشته و دارند و... دعوی خواهان را وارد و ثابت تشخیص، مستنداً به تبصره یک ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات مصوب ۱۳۶۶/۷/۸ و مستفاد از تبصره یک ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات، حکم به ابطال آگهی مورخه ۱۳۷۳/۶/۱۱ مدیریت امور اراضی استان مرکزی مبنی بر اعلان موات ۲۷۰۰ هکتار و مستثنیات ۱۰۰ هکتار از اراضی موسوم به خلخاب به پلاک ۶۶ اصلی و... بخش ۸ شهرستان ساوه صادر و اعلام می نماید. رأی صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استان مرکزی اراک می باشد.

۴. دادنامه شماره ۱۰۲ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۸ دادگاه حقوقی یک فیروز آباد (این دادگاه در

حال حاضر منحل شده است)

رأی دادگاه: دعوی مطروحه اداره کل منابع طبیعی فارس به طرفیت مدیریت امور اراضی فارس به خواسته فسخ رأی اعلام موات پلاک ۱۲۵۵ بخش ۸ فارس موسوم به آب شیرین، موضوع آگهی اعلام موات $\frac{۳۷۲۸}{۷۳/۶/۹}$ منتشره در روزنامه خبر جنوب می باشد. اینک چون به مستفاد از صدر ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب سی ام آذر ماه شصت و پنج، اداره خواننده حق ابطال اسناد و مدارک اراضی دولتی را ندارد و در مانحن فیه تولیت اداره خواهان به موجب اجرای شق اول مقررات ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها حسب آگهی اعلام ملی $\frac{۳۸۷۷۲}{۵۳/۱۲/۵}$ که بر اثر عدم اعتراض به مرحله قطعیت رسیده بر روی اراضی مزبور محزر و مسلم به نظر می رسد مضافاً این که عبارت «در اختیار دولت قرار می گیرد» مندرج در ماده واحده فوق الاشاره بیانگر این موضوع است که تصویب قانون مزبور جهت املاکی است که مالکیت دولت استقرار نیافته و اصولاً به دور از ذهن است که قانونگذار درباره زمینی که قبلاً به موجب ماده ۵۶ قانون موصوف ملی و در اختیار دولت قرار گرفته مجدداً مقرراتی جهت ابطال مقررات مزبور وضع نماید. از سوی دیگر دفاع اداره خواننده مبنی بر این که منظور از صدر ماده واحده مذکور اراضی است که به

دیگر دفاع اداره خواننده مبنی بر این که منظور از صدر ماده واحده مذکور اراضی است که به نام منابع طبیعی به ثبت رسیده باشد وارد نیست، زیرا حتی اگر کلمه «اسناد» را به خاتمه جریان ثبتی و صدور سند مالکیت به وسیله اداره ثبت اسناد تعبیر کنیم، عبارت «مدارک» قابل تسری به موضوع فوق نیست. نتیجتاً دعوی اداره خواهان موجه و قانونی تشخیص و حکم بر ابطال رأی اعلام موات پلاک موصوف صادر و اعلام می‌نماید. این رأی حضوری ظرف بیست روز قابل تجدید نظر در دیوان عالی کشور است.^۱

۵. دادنامه شماره ۳۲۰/۷۴ شعبه دوم دادگاه عمومی الشتر

رأی دادگاه: در خصوص دادخواست اداره کل منابع طبیعی استان لرستان به طرفیت مدیریت امور اراضی استان لرستان به خواسته ابطال سند مالکیت اراضی پلاک ۳۸ فرعی از ۲۱ اصلی به مقدار ۲۳۹۰۰ متر مربع، مستفاد از قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن... و آیین نامه اجرایی قانون فوق الاشعار...، هیأت هفت نفره وزارت کشاورزی نسبت به زمین‌هایی می‌تواند اقدام به ابطال سند نماید که مربوط به غیر دولت بوده و افراد به صورت رسمی یا غیر رسمی برای آن‌ها سند تهیه کرده باشند و نه اراضی دولتی؛ و لذا با توجه به اجرای قسمت اول ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور از سوی اداره خواهان در خصوص آگهی اعلام ملی شدن به شماره $\frac{۱۴۹۱}{۷۰/۳/۸}$ مندرج در روزنامه کیهان شماره ۱۴۲۱۰ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۶ که به دلیل عدم اعتراض به مرحله قطعیت رسیده و مالکیت منابع طبیعی را تأیید می‌نماید، همچنین با توجه به مفاد قرار تحقیق و معاینه محل که حکایت از آن دارد که اراضی متنازع فیه دارای پوشش مرتعی غیر مشجر می‌باشد و دامداران محل نیز با ارائه پرونده‌های چرای دام خود بر این امر تأکید داشته‌اند، با در نظر گرفتن سایر محتویات پرونده دادگاه دعوی خواهان را محمول بر صحت تلقی به استناد... و بند ۷ ماده یک آیین نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل‌های کشور... حکم به ابطال سند مالکیت خواننده از پلاک ۳۸ فرعی از ۲۱ اصلی و صدور سند آن به نام اداره منابع طبیعی^۲ صادر و اعلام

۱. رأی دادگاه‌های حقوقی یک، سابق در دیوان عالی کشور قابل تجدید نظر بود.

۲. البته این قسمت از حکم که صدور سند به نام منابع طبیعی را تجویز کرده خارج از خواسته است و

می‌نماید. رأی صادره وفق مقررات قابل تجدید نظر خواهی ظرف مدت مقرر در دادگاه تجدید نظر می‌باشد.

۶. دادنامه شماره ۱۴۲۹ مورخ ۷۴/۹/۳۰ شعبه چهارم دادگاه عمومی بیرجند - که دادنامه شماره ۵/۲۲۱ مورخ ۷۵/۴/۳ صادره از شعبه دوازدهم دادگاه تجدید نظر استان خراسان در تأیید و ابرام آن صادر گردیده است.

رأی دادگاه: در خصوص دادخواست اداره منابع طبیعی شهرستان بیرجند به طرفیت مدیریت امور اراضی جنوب خراسان مرکز بیرجند به خواسته ابطال رأی موات، در خصوص آگهی مورخ ۷۳/۵/۱۲ نوبت اول و اعلام موات پلاک‌های مذکور در ردیف ۶ شماره ۱۹۱۱ روزنامه قدس مزرعه و قنات گز، پلاک ۳۸۱ اصلی بخش ۴ بیرجند، خواهان دادخواستی تقدیم و اظهار داشته اراضی مزبور قبلاً جهت اجرای کامل ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها، جزو اراضی و عرصه‌ای مرتعی شناسایی و تشخیص گردیده است. مطابق بند ۳ از... واژه نامه قانونی احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی، اراضی موات زمین غیر آبادی است که سابقه احیاء و بهره‌برداری ندارند و وفق آیین نامه اجرایی همان قانون، مصوب شورای انقلاب اراضی منابع طبیعی، اعم از جنگل یا بیشه طبیعی می‌باشد که عبارت است از عرصه‌ای که در فصل چرا دارای پوشش نباتات علوفه‌ای می‌باشد و هیأت واگذاری و یا معاونت واگذاری حق هیچ‌گونه دخل و تصرف و یا اعلام موات اراضی ملی شده را به جهت فقدان صلاحیت قانونی نداشته. از این رو حکم عرصه‌های مرتعی به جهت دارا بودن قانون خاص و متصدی خاص سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور تحت شمول موات نبوده بنابراین اعلام موات آن بنا به دلایل مذکور بلا اعتبار محسوب می‌گردد تقاضای رسیدگی و ابطال رأی موات هیأت امور اراضی را ننموده است. مدیریت امور اراضی مرکز بیرجند طی لایحه‌ای که به شماره ۶۹۲-۷۳/۸/۲۴ ثبت گردیده است و به شماره ۴۹۰-۷۴/۸/۸ می‌باشد اظهار داشته‌اند هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند، مگر این که شخص یا اشخاص ذی نفع رسیدگی به دعوی را مطابق مقررات درخواست نموده باشند و با التفات به این که برابر تبصره یک ماده واحده قانون مرجع

تشخیص اراضی اموات و تبصره یک ماده ۳ آیین نامه اجرایی این قانون، تنها متصرفین یا مالکین ذی نفع تلقی شده و حق دارند نسبت به آراء هیأت‌ها در دادگاه صالح اعتراض نمایند و مالک نیز وفق ماده ۲۲ قانون ثبت کسی است که ملک به نام او در دفتر املاک به ثبت رسیده است، لذا در این مورد اداره منابع طبیعی نه مالک اراضی مورد اختلاف و نه متصرف می‌باشد و خواهان هیچ‌گونه مدرکی دال بر اثبات ادعایش مبنی بر اجرای ماده ۵۶ در اراضی مذکور را ارائه ننموده و در محل اجرای قرار نیز از ارائه نقشه و کروکی و هرگونه مدرکی که صحت اظهاراتش را اثبات نماید خودداری نموده است اراضی که توسط نماینده خواهان به کارشناس ارائه می‌گردد معمولاً اراضی مرتعی می‌باشد که شاید کیلومترها با اراضی مورد اختلاف فاصله داشته باشد به استناد بند ۲ ماده ۱۹۸ قانون^۱ تقاضای رد دعوی خواهان را نموده‌اند. دادگاه قرار ارجاع امر به کارشناس و نیز مشاهده عضو مجری قرار صادر نموده است و عضو مجری قرار مشاهدات خود را طبق صورت جلسه مورخ ۷۴/۷/۹ در محل در صورت جلسه منعکس نموده است و نیز کارشناس طی لایحه‌ای که به شماره ۴۱۰- ۷۴/۷/۱۰ ثبت شده نظریه خود را اعلام نموده و اظهار داشته که با توجه به مشاهدات عینی از محل فوق الذکر دو دامنه‌ای با شیب تند بیش از ده هزار و آب شرب‌های متعددی که فاقد خاک زراعتی قرار داشته و پوشیده از گونه‌های مرتعی... به طور محدود می‌باشد و از نظر تیپ مرتعی خیلی فقیر در درجه ۳ تشخیص داده می‌شود. علی‌هذا با امعان نظر به محتویات پرونده و اظهارات طرفین و نظریه کارشناس و عضو مجری قرار به استناد ماده یک آیین نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع کشور و بندهای ذکر شده ماده مذکور (تعاریف جنگل و مرتع) و اصل ۴۵ قانون اساسی، رأی بر فسخ و ابطال رأی اموات برگ تشخیص شماره ۲۹۳ مورخ ۷۰/۹/۴ در ردیف ۶ روزنامه قدس شماره $\frac{۱۹۱۱}{۷۳/۹/۱۲}$ که اعضاء هیأت واگذاری زمین مرکز گناباد (اداره امور اراضی کنونی) اموات اعلام نموده به حدود زیر از شمال... صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از دیدار قابل اعتراض در مرجع تجدید نظر استان خراسان می‌باشد.

مرجع تجدید نظر استان خراسان می باشد.

دادنامه شماره ۵/۲۲۱ مورخ ۷۵/۴/۳ شعبه دوازدهم دادگاه تجدید نظر استان خراسان به شرح زیر در تأیید دادنامه مذکور صادر گردیده است:

رأی دادگاه: رأی صادره با توجه به مبانی استدلال آن خالی از اشکال و چون ایراد مؤثری که انطباق با ماده ۲۵ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب داشته باشد از ناحیه معترض به عمل نیامده، لذا با رد آن دادنامه بدوی را تأیید می نماید. این رأی قطعی است.

۷. دادنامه شماره ۶۲۵ مورخ ۷۶/۹/۱۰ صادره از شعبه دوم دادگاه تجدید نظر استان مرکزی - که در تأیید دادنامه بدوی شماره ۱۲۱ مورخ ۷۵/۶/۲۸ شعبه سوم دادگاه عمومی دلیجان صادر گردیده است.

رأی دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی مدیر امور اراضی استان مرکزی از دادنامه شماره ۱۲۱ - ۷۵/۶/۲۸ شعبه سوم دادگاه عمومی دلیجان، با توجه به این که مأموریت اصلی و اصولی اداره امور اراضی به وسیله هیأت های هفت نفره واگذاری زمین در ماده یک^۱ قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آنها راجع به غیر اراضی دولتی است، بنابراین و بنا به تقدم تاریخ اقدامات قانونی اداره تجدید نظر خواننده از حیث احراز واقعیت ایرادی بر رأی مرقوم وارد نیست و از جهت رعایت اصول و قواعد دادرسی هم اشکالی به چشم نمی خورد. البته اگر قضیه معکوس فرض شود و معترض اداره مقابل تلقی گردد و مثلاً اولین تشخیص دهنده اداره امور اراضی باشد، اداره منابع طبیعی حق اعتراض خواهد داشت. به علت این که حیطه وظایف اداره امور اراضی محدود به زمین های غیر دولتی است، اداره منابع طبیعی با تمسک به دلایل لازم می تواند ادعای مرتع بودن نماید و در این صورت نیاز به تعیین کارشناس و طی مراحل رسیدگی و بالاخره صدور حکم مقتضی خواهد بود. لذا تجدید نظر خواهی با استفاده از اختیارات حاصله از مواد ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب رد و رأی ابرام می شود. این رأی قطعی است.

۱. قید ماده یک اشتباه است و الّا ماده واحده کلاً یک ماده است و به نظر می رسد منظور تبصره یک ماده واحده بوده که به اشتباه به ماده یک استناد شده است.

۸. دادنامه شماره ۲۶ - ۲۶ مورخ ۷۴/۱/۲۱ شعبه پانزدهم دادگاه تجدید نظر استان

خراسان (مشهد)^۱

رأی دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی سازمان امور اراضی از دادنامه ۶۵۱-۷۳/۱۱/۲۵ شعبه اول دادگاه عمومی خواف، با توجه به محتویات پرونده ریشه دعوی، اختلاف نظر بین اداره محترم منابع طبیعی و سازمان امور اراضی و تلقی متفاوت دو سازمان از عنوان زمین موات است. اداره منابع طبیعی تلقی اش از زمین موات زمین فاقد بوته و غیر مرتع است، در حالی که قانونگذار قانون واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی، مصوب ۵۹/۱/۲۶ و آیین نامه آن که اکثرأ از فقه بوده و به اصطلاح فقهی موات توجه داشته‌اند، زمینی را موات می‌دانند که سابقه احیاء و بهره‌برداری نداشته و شامل انواع اراضی که به حالت طبیعت اولیه خود می‌باشد می‌شود کما این که حضرت امام (ره) نیز در کتاب احیاء موات، اراضی موات قابل احیاء و تملک را چنین تعریف کرده: «الموات هی الارض العطله التي لا یتنتفع بها اما لانقطاع الماء عنها او لاستیلاء المیاء أو الرمال أو السبخ أو الأحجار علیها أو لاستنجامها و التفاف القصب و الأشجار بها او لغير ذلك»، علاوه بر این، اعلام موات پلاک مذکور یعنی اعلام تعلق زمین مذکور به دولت جمهوری اسلامی... مانند اجرای ماده ۵۶ توسط منابع طبیعی که این امر ضروری را متوجه اداره منابع طبیعی نمی‌کند و اگر هدف اداره محترم منابع طبیعی جلوگیری از واگذاری آن جهت کشاورزی است که قانون واگذاری و احیاء اراضی مصوب ۵۹/۱/۲۶ در ماده یک حتی حق واگذاری مرتع را در هر زمانی که تشخیص دهد که کشاورزی زمین استفاده بیش تری برای اقتصاد مملکت دارد به هیأت واگذاری که در حال حاضر عنوان امور اراضی پیدا نموده است داده است و علی فرض این که سازمان مذکور بر خلاف مصلحت نظام مرتع درجه یک را که نافع تر به حال جامعه بوده، تبدیل به کشاورزی نموده است، رسیدگی به این تخلفات نیز طبق ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی

۱. در این رأی به موجب ماده ۳۱ (تجدیدنظر فوق العاده) به تقاضای اداره منابع طبیعی خواف تجدید نظر شد و توسط شعبه هفدهم دیوان نقض گردید. عین جریان پرونده و رأی شعبه هفدهم دیوان در سطور آتی ذیل ردیف ۱۵ دادنامه‌ها ذکر گردیده است.

قانون مذکور مصوب ۵۹/۲/۳۱ با ستاد مرکزی است. لذا با توجه به آنچه گذشت دعوی اداره منابع طبیعی شهرستان خواف موجه نبوده و دادگاه به استناد ماده ۲۲ قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب رأی بدوی را فسخ و حکم به ردّ دعوی اداره منابع طبیعی شهرستان خواف صادر می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

۹. دادنامه شماره ۶۸/۱۳/۱۱ - ۷۴/۱۲/۲۸ شعبه پنجم دادگاه تجدید نظر استان

خراسان (مشهد)

رأی دادگاه: اعتراضات اداره منابع طبیعی بجنورد نسبت به حکم شماره ۱۴۱۱/۱۴۲ - ۷۴/۸/۲۱ دادگاه عمومی جاجرم که به موجب آن درخواست اداره مذکور به خواسته ابطال رأی موات پلاک شماره ۱۰۹ اصلی مرسوم به آرچه بخش هفت جاجرم موضوع آگهی تشخیص اراضی موات ۱۱/۶۴۹۳ - ۶۸/۱۰/۲۵ مردود اعلام گردیده است، تکرار مطالبی است که در دادخواست بدوی و ضمن لوایح تقدیمی به عمل آورده است و به کیفیتی نمی‌باشد که بر اساس حکم صادره خدشه وارد آن را از اعتبار ساقط و موجب نقض آن گردد و با توجه به این که اداره تجدید نظر خوانده در سال ۶۸ و طی انجام مراحل قانونی مالکیتش بر ملک مورد ادعا استقرار یافته و با عنایت به این که صرف ادعای مرتع بودن اراضی مورد بحث دلیلی بر مالکیت و ذی نفع بودن اداره منابع طبیعی نمی‌باشد، بلکه ذی نفع بودن اداره مذکور و مرتع بودن اراضی موصوف در صورتی است که طبق مقررات قانونی این اراضی قبلاً مرتع تشخیص و مراحل قانونی‌اش را طی نماید که در مانحن فیه هیچ‌گونه اقدامی قبل از تملک اداره اراضی از ناحیه تجدید نظر خواه معمول نگردیده است و اجرا و اعمال قسمت اول ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ملی که بعداً صورت گرفته نمی‌تواند مؤثر در مالکیت تجدید نظر خواه باشد و استفاده از اراضی متنازع فیه جهت چرای دام نیز تأثیری در جهت این که اراضی قانوناً مرتع شناخته شوند ندارد، بنا به مراتب چون تجدید نظر خواهی هیچ‌گونه انطباقی با جهات مندرج در ماده ۲۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ندارد، ضمن ردّ تجدید نظر خواهی دادنامه معترض عنه نتیجتاً تأیید می‌گردد. این رأی قطعی است.

۱۰. دادنامه شماره ۲۳/۱۰۵ - ۷۴/۲/۱۲ شعبه دهم دادگاه تجدید نظر استان خراسان

(مشهد)

رأی دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی اداره منابع طبیعی شهرستان نیشابور به طرفیت مدیریت امور اراضی استان خراسان و اداره امور اراضی نیشابور نسبت به دادنامه شماره ۲۹۲ - ۷۳/۱۱/۱۷ صادره در پرونده... شعبه پنجم دادگاه عمومی نیشابور، نظر به این که حسب اظهار نماینده اداره تجدید نظر خواه در جلسه مورخ ۷۳/۱۱/۸ دادگاه بدوی در مورد اراضی موضوع ادعای کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع صادر نگردیده است و از طرفی حسب ماده ۲ قانون حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور، مصوب ۱۳۷۱/۷/۵، در صورت عدم وصول اعتراض ادارات ثبت با درخواست اداره منابع طبیعی موظف به صدور سند مالکیت می‌باشند که نسبت به این امر اقدامی صورت نگرفته و نظر به این که اداره امور اراضی نیشابور نسبت به اراضی مورد دعوی اقدام به اخذ سند مالکیت از اداره ثبت محل نموده است، لذا در کیفیت مطروحه دعوی تجدید نظر خواهی وارد به نظر نرسیده و چون رأی تجدید نظر خواسته وفق موازین قانونی اصدار یافته، حکم به رد تجدید نظر خواهی و نتیجتاً تأیید دادنامه بدوی صادر و اعلام می‌دارد.

۱۱. دادنامه شماره ۱۳/۴۹۶ - مورخ ۷۴/۸/۱۳ شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور - که در

مقام تجدید نظر خواهی از دادنامه شماره $\frac{۱۰۵}{۷۳/۱۲/۶}$ صادره از دادگاه حقوقی یک فیروز آباد صادر گردیده است:

خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۷۳/۸/۱۲ اداره کل منابع طبیعی استان فارس دادخواستی به طرفیت مدیریت امور اراضی سازمان کشاورزی استان فارس، به خواسته اعتراض به آگهی مندرج در روزنامه ۳۷۲۸ - ۷۳/۶/۹ - موضوع پلاک ۱۲۰۸ - بخش ۸ فارس مشهور به امام زاده شهید، صادره به دادگاه حقوقی یک فیروز آباد تقدیم و ضمن آن توضیح داده سازمان خواننده به شرح آگهی مذکور پلاک ۱۲۰۸ - بخش ۸ فارس را موات اعلام کرده و بلافاصله در تاریخ ۷۳/۶/۱۳ مراتب اعتراض این اداره کل به مدیریت امور اراضی اعلام گردیده و خواننده بر خلاف ماده واحده مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن و ماده ۸ آیین نامه

اجرایی، خارج از صلاحیت خود اظهار نظر کرده با توجه به ماده ۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور و قانون تفکیک وزارت خانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی اقدام کرده؛ زیرا به موجب قسمت «ب» از بند هفت ماده یک آیین نامه اجرایی لایحه قانونی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۵۹/۲/۳۱، مرتع شناخته شده و مرتع زمین‌هایی است اعم از کوه و دامنه یا زمین مسطح که در فصل چرا دارای پوششی از نباتات علوفه‌ای خودرو باشد و مراتع فوق الذکر مشمول بندهای یک و هفت ماده یک آیین نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع کشور می‌باشد. اراضی مذکور با پوشش گیاهی خوب بوده که در طرح دامداری برای تعلیف دام به دامداران پروانه چرا داده شده. بنابه مراتب تقاضای رسیدگی و فسخ رأی سازمان خواننده را خواسته است. دادگاه پس از تعیین وقت و دعوت طرفین برای جلسه ۷۳/۱۰/۲۲ نمایندگان اصحاب دعوی حاضر شده‌اند. نماینده اداره خواننده اظهار داشته مستنداً به ماده ۲ آیین نامه اجرای قانون مرجع تشخیص اراضی موات، اداره خواننده مکلف است در جلسه‌ای که حداقل با حضور چهار نفر تشکیل شده باشد و رأی بر موات بودن به امضاء حداقل سه نفر رسیده باشد و یکی حاکم شرع باشد به دادگاه تسلیم و صحت آن نیز در دادگاه احراز شود، در حالی که رأی اعلامی اداره خواننده به این کیفیت صادر نشده و به موجب قانون جنگل‌ها، حفظ و نگهداری جنگل و مرتع با جهاد سازندگی و منابع طبیعی است و اقدامات اداره خواننده دخالت در ادارات مذکور است. بنا به مراتب تقاضای نقض رأی صادره را دارم. نماینده اداره خواننده اظهار داشته قبل از ورود در ماهیت دعوی به موجب تبصره یک ماده واحده قانون تشخیص اراضی موات و تبصره یک ماده ۳ آیین نامه اجرایی همان قانون تنها متصرفین یا مالکین ذی نفع می‌توانند نسبت به آراء هیأت در دادگاه صالحه اعتراض نمایند. لذا چون در تاریخ ۷۳/۸/۱۲ که تاریخ تقدیم دادخواست اداره خواهان می‌باشد نسبت به اراضی مزبور اقدامی نشده و مالکیتی نداشته - زیرا طی شماره ۵۲۶۸۸ در تاریخ ۷۳/۹/۱۴ آگهی ملی شدن زمین منتشر شده - لذا خواهان ستمی نداشته. بنابراین اداره خواهان نمی‌تواند به عنوان مالک اعتراض کند. ملاحظه می‌فرمایید اراضی

مورد بحث در تاریخ ۷۳/۶/۹ توسط هیأت متبوع موات اعلام شده و موات بودن زمین مزبور به تأیید امام جمعه محترم شهرستان فیروز آباد نیز رسیده که مدارک متعاقباً تقدیم می‌شود و اراضی مذکور دارای متقاضیان زیادی است که غیر از دامداران محل است. بنا به مراتب رأی صحیح صادر شده تقاضای رد دعوی خواهان را دارم. دادگاه پس از استماع توضیحات طرفین چون اداره خواهان تقاضای بررسی وضعیت اجرای ماده ۲ آیین نامه اجرایی مرجع تشخیص اراضی پلاک ۲۰۸ بخش ۸ فارس را ضروری دانسته، وقت احتیاطی تعیین کرده و به اداره خواهان اخطار کرده مدارک مذکور را ظرف مهلت یک هفته به دادگاه تقدیم نماید که پس از وصول مدارک مذکور دادگاه در وقت فوق العاده مورخ ۷۳/۱۲/۶ ختم رسیدگی را اعلام و به موجب دادنامه شماره ۱۰۵ خلاصتاً چنین رأی داده:

رأی دادگاه: خواسته خواهان به طرفیت خواننده به ابطال رأی ۲۰۷۲۹/۱۳۰ - ۷۳/۱۰/۲۱ شورای مرکزی مدیریت امور اراضی فارس که در تاریخ ۷۳/۵/۶ آگهی موات آن صادر و در روزنامه خبر جنوب در تاریخ ۷۳/۶/۹ تحت شماره ۳۷۲۸ منتشر شده که حسب اعلام اداره خواهان آگهی اعلام ملی اراضی پلاک مورد بحث موسوم به امام زاده شهید در مورخه ۷۳/۹/۱۴ انتشار یافته با عنایت به این که آگهی اعلام ملی پس از آگهی اعلام موات منتشر شده و به مرحله قطعیت نرسیده و اداره خواهان در زمان صدور رأی فاقد هرگونه مدرک و یا سند قانونی بوده و تعریف اراضی موات به استناد قانون مدنی به لحاظ مبنای فقهی شامل اراضی مرتهعی نیز می‌شود و رأی اعلام موات ممضی به امضاء چهار نفر از اعضای هیأت هفت نفره وفق موازین قانونی اصدار یافته... حکم به رد دعوی خواهان صادر کرده و از این رأی از طرف محکوم علیه در سه صفحه دادخواست تجدید نظری اعتراض شده و با توضیحاتی تقاضای نقض رأی تجدید نظر خواسته شده که پس از انجام تبادل لوایح پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع گردیده است که با توجه به محتویات پرونده و لوایح طرفین به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

تجدید نظر خواهی اداره کل منابع طبیعی استان فارس بر دادنامه شماره ۱۰۵ - ۷۳/۱۲/۶ دادگاه حقوقی یک فیروز آباد با توجه به دلایل و مستندات پیوست پرونده و رسیدگی‌های به

عمل آمده و استدلال دادگاه وارد نیست و با هیچ یک از شقوق ماده ۶ قانون تجدید نظر آراء دادگاه‌ها منطبق نمی‌باشد و ضمن رد اعتراضات تجدید نظر خواه، دادنامه تجدید نظر خواسته ابرام می‌شود.

۱۲. دادنامه شماره ۱۸/۲۱۶/۷۴ مورخ ۷۴/۹/۱۶ شعبه هیجدهم دیوان عالی کشور - که در مقام تجدید نظر خواهی از دادنامه شماره ۵۴۴ مورخ ۷۳/۸/۳۰ شعبه اول دادگاه حقوقی یک همدان صادر گردیده است:

خلاصه جریان پرونده: اداره کل منابع طبیعی استان همدان دادخواستی به خواسته اعتراض به رأی مدیریت امور اراضی استان همدان در روزنامه شماره ۲۳۱۵، مورخ ۱۳۷۳/۳/۵ و تقاضای ابطال رأی مذکور به طرفیت مدیریت امور اراضی استان همدان تسلیم دادگاه‌های حقوقی یک همدان نموده که به شعبه اول دادگاه حقوقی یک همدان ارجاع شده و به شرح مذکور در دادخواست توضیح داده است با عنایت به این که اداره منابع طبیعی استان همدان در اجرای مقررات ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع پلاک ۹۴ و ۹۳ روستای... را ملی اعلام و طبق آگهی‌های... به اطلاع عموم رسیده و به دلیل عدم اعتراض در مهلت مقرر به قطعیت رسیده^۱ که اخیراً مدیریت امور اراضی استان همدان مبادرت به اعلام

۱. البته در حال حاضر اعتراض مهلت خاصی ندارد و مقید به مهلت خاصی نیست؛ چرا که شورای نگهبان در پاسخ نامه شورای عالی قضایی وقت در خصوص این موضوع و کلاً ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها محدود کردن مهلت را خلاف شرع اعلام کرده است. پاسخ شورای نگهبان به شورای عالی قضایی وقت به شماره ۲۶۵۰ مورخ ۱۳۷۶/۸/۴ که در روزنامه رسمی شماره ۱۲۷۳۴ - ۶۷/۸/۲۴ درج گردیده بدین شرح است: «پرونده‌های متعددی که از بعضی محاکم دادگستری و اشخاص در رابطه با مواد ۵۵ و ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحی ۱۳۴۸ به دبیرخانه شورای نگهبان واصل شده بود، موضوع در جلسه شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌گردد: (۱) شمول ماده ۵۵ اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و تبصره آن نسبت به کسانی که در رژیم گذشته اقدام به تصرف و احیاء منابع مذکور نموده‌اند خلاف موازین شرع و در این قسمت ماده مذکور ابطال می‌شود؛ (۲) در ماده ۵۶ اصلاحی قانون مذکور محدود نمودن پذیرش اعتراض اشخاص ذی نفع به یک ماه خلاف موازین شرع و در این قسمت ماده مذکور ابطال می‌شود و بند «الف» این ماده بر این اساس اصلاح می‌شود؛ (۳) در ماده اصلاحی ملاک عمل قرارداد و قطعی دانستن تصمیم اکثریت کمیسیون مذکور در ماده خلاف موازین شرع و در این قسمت نیز ماده مذکور ابطال می‌شود؛ (۴) در بند «ج» ماده ۵۶ مذکور دستور رفع تصرف و خلع ید از اراضی مذکور که در رژیم گذشته تصرف و احیاء شده است خلاف موازین شرع و در این قسمت نیز ماده

موات نمودن اراضی منابع ملی نموده از آن جایی که طبق ماده واحده تشخیص اراضی موات... مربوط به اسناد و مدارک غیر دولت بوده و حتی طبق بند ۷ دستور العمل هیأت واگذاری در اراضی که مرحله دوم اجراء ماده ۵۶ قانون حفاظت را سیر کرده لازم ندانسته است و از طرفی... علی هذا با عنایت به موارد مطروحه، رأی اصداری خلاف قانون بوده و تقاضای تجدید نظر و ابطال رأی صادره را دارم. دادگاه مرجوع الیه وارد رسیدگی شده و جلسه مورخ ۷۳/۸/۱۷ با حضور نمایندگان طرفین دعوی تشکیل شده؛ نماینده اداره خواهان اظهار داشته اولاً مدیریت امور اراضی صلاحیت تشخیص موات اعلام نمودن اراضی و اسناد دولت را ندارد، ثانیاً تصمیم کمیسیون باید حداقل با حضور چهار نفر از اعضاء کمیسیون طبق آیین نامه اجرایی قانون فوق الاشعار باشد... نماینده خواننده اظهار داشته اولاً بر اساس متن ماده واحده تشخیص اراضی موات بر عهده هیأت واگذاری زمین می باشد که هیأت متشکل از... که برگ تشخیص به امضاء افراد فوق رسیده...؛ ثانیاً ابطال اسناد اراضی موات به عهده هیأت واگذار گردیده به استثناء اسناد دولتی که منابع طبیعی فاقد سند می باشد و هیچ سندی باطل نگریده تا منابع طبیعی معترض بدان باشد؛ ثالثاً کروکی اعلام شده از سوی منابع طبیعی که بر اساس آگهی مورخه ۶۹/۱۰/۱۱ شماره... دویست و پنجاه هکتار... قرارداد در عین حال کروکی اعلام شده بیش از ده هزار هکتار زمین می باشد و مشخص نیست دویست و پنجاه هکتار منابع طبیعی در کجای این زمین است، لذا اجرای ماده ۵۶ آن نیز دارای اشکالات قانونی می باشد؛ رابعاً در جلسه ۳۶ و ۳۷ شورای عالی اداری مورخ ۷۱/۱۱/۷ و ۷۱/۱۰/۱۶ ذیل بند ۷ مقرر داشته کلیه وظایف مربوط به امور زیر بنایی و فنی و آموزشی و توسعه تعاونی های مشاع از ستاد مرکزی و هیأت های هفت نفره واگذاری زمین سازمان اصلاحات و ستاد مرکزی و هیأت های هفت نفره در یکدیگر ادغام و سازمانی تحت عنوان سازمان امور اراضی تشکیل می گردد و با این تغییر تشکیلات و وظائف هر دو سازمان

مذکور ابطال می شود. لازم به تذکر است که پس از تهیه و ابلاغ آیین نامه قانون و تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل ها و مراتع مصوب ۶۷/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی این ماده واحده ملاک عمل خواهد بود. دبیر شورای نگهبان

در سازمان امور اراضی متمرکز می‌شود و کلیه وظایف و امور مربوط به زمین در استان‌ها به واحدهای خارج از مرکز وزارت کشاورزی منتقل می‌شود و لذا در تشخیص هیأت‌ها برابر قانون عمل نموده و درج آگهی یک وظیفه اداری بر عهده مدیریت منتقل و تفویض شده و با توجه به موارد مذکور درخواست رد اعتراض وارده را می‌نمایم... دادگاه با اعلام ختم رسیدگی، دادنامه شماره ۵۴۴ مورخ ۱۳۷۳/۸/۳۰ را بدین خلاصه صادر... «صرف نظر از این که رأی صادره مدیریت اراضی استان همدان فاقد مشخصات و خصیصه رأی و فاقد شماره می‌باشد و حدود مورد نظر از جهت... مشخص نمی‌باشد، چون اصول ماده واحده مصوب ۶۵/۹/۳۰ به این امر که اسناد و مدارک مربوط به غیر دولت اعم از رسمی و غیر رسمی مربوط به اراضی موات... تصریح دارد و زمین مورد اختلاف بر اساس مستفاد از صورت جلسه دادگاه در اراضی ادعایی منابع طبیعی قرارداد و این ادعای اداره معترض مورد ایراد و انکار مرجع صدور رأی قرار نگرفته است، با قبول اعتراض مستنداً به ماده واحده مذکور حکم به ابطال رأی معترض عنه مذکور در صدر دادنامه صادر و اعلام می‌گردد». بر اثر اعتراض مدیریت امور اراضی استان همدان از دادنامه پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع گردیده و تجدید نظر خواه ضمن درخواست تجدید نظر خواهی پس از شرح مطالبی؛ نقض حکم را خواستار شده و تجدید نظر خواننده نیز لایحه تقدیم داشته که به شماره... به ثبت رسیده و در آن پس از مدافعاتی، ابرام حکم را تقاضا نموده که مندرجات دادخواست و لایحه هنگام شور قرائت خواهد شد. هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردد. پس از قرائت گزارش آقای... عضو ممیز و بررسی اوراق پرونده نسبت به دادنامه شماره ۵۴۴ - ۷۳/۸/۳۰ تجدید نظر خواسته مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد: بسمه تعالی. از ناحیه تجدید نظر خواه در این مرحله از رسیدگی ایراد و اعتراض مؤثر و موجهی که با یکی از شقوق ماده ۱۰ قانون تجدید نظر آراء دادگاه‌ها، مصوب مرداد ۱۳۷۲ منطبق بوده نقض دادنامه تجدید نظری را ایجاب نماید به عمل نیامده است و از طرفی دادنامه تجدید نظر خواسته موجهاً و مستنداً اصداً یافته و از جهت رعایت اصول و قواعد دادرسی هم فاقد اشکال مؤثر است. لذا دادنامه مزبور مستنداً به ماده سه و بند یک ماده پنج قانون فوق الذکر ابرام می‌شود.

۱۳. دادنامه شماره ۲۵/۴۸۹ مورخ ۱۳۷۴/۸/۱۱ شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور - که در مقام

تجدید نظر خواهی از دادنامه شماره ۲۷۶/۷۳ دادگاه حقوقی یک خمین صادر گردیده است:

خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۶۸/۱۰/۱۱ اداره کل منابع طبیعی استان مرکزی به نمایندگی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به طرفیت هیأت واگذاری و احیاء اراضی استان مرکزی دادخواستی به خواسته اعتراض نسبت به رأی هیأت هفت نفره در رابطه با اموات قلمداد نمودن قسمتی از پلاک ۱ فرعی از ۹ اصلی بخش ۲ خمین موسوم به دم آب به مساحت... هکتار تقدیم و به استناد گزارش تشخیص کارشناس مرتع در اجرای مقررات ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها، مورخ ۵۶/۷/۱۱، ۶۸/۶/۲۹، ۶۸/۸/۲۴ در خواست رسیدگی نموده است. دبیر هیأت هفت نفره لایحه ارسال و اشعار داشته است آگهی ماده ۵۶ بعد از آگهی مرتب به اراضی اموات منتشر شده است و نماینده مدیریت امور اراضی در جلسه ۷۲/۷/۷ اظهار داشته است قبلاً با اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور استعلام شده و پاسخ و اصل نگردیده و هیأت اقدامات قانونی خود را در تاریخ ۶۸/۸/۲۱ انجام داده و در تاریخ‌های ۶۸/۹/۱۱ و ۶۸/۹/۲۶ آگهی شده است. دادگاه وضعیت ثبتی را استعلام و در جلسه ۷۳/۵/۲۴ با اعلام پایان دادرسی چنین انشاء رأی کرده است: «... اقدام به تشخیص هیأت... در تاریخ ۶۸/۸/۲۱ مقدم بر تاریخ درج و الصاق آگهی‌های اداره منابع طبیعی... بوده فلذا اسناد مالکیت به نام غیر دولت باقی بوده است... خواهان هم دلیلی بر سبق تصرف و احیاء و بهره‌برداری... ارائه ننموده است... دعوی خواهان را غیر وارد تشخیص حکم به رد آن صادر و اعلام می‌نماید...» که منتهی به تجدید نظر خواهی شده است. اعتراض این است که سابقه عمل منابع طبیعی مربوط به سال ۵۴ می‌باشد و آگهی‌های مربوط هم مقدم بر آگهی تشخیص اموات منتشر شده است. اعتراض نامه عیناً هنگام شور قرائت می‌گردد. هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای... عضو ممیز و اوراق پرونده مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد: بالحاظ محتویات پرونده بر دادنامه مورد تقاضای تجدید نظر به جهات ذیل اشکال وارد است: (۱) با توجه به توضیحات نماینده خواهان ضمن صورت جلسه ۷۲/۷/۷ (ملی بودن قسمتی از

پلاک و به لحاظ ذیل نامه ثبت اسناد خمین (عدم تفکیک) و همچنین اظهارات نماینده تجدید نظر خواننده ضمن صورتجلسه ۷۳/۴/۲۴ (احتمال عدم تطبیق دو محدوده) پرونده اقتضاء داشته قبل از صدور رأی مورد تقاضای تجدید نظر محدود هر یک از دو تشخیص بطریق مقتضی روشن گردد که مورد توجه واقع نشده است، ۲) تشخیص ملی بودن با وجود سند مالکیت در ید متصرف منافات ندارد. بنابراین و با عنایت به این که تشخیص موات بودن زمین با فرض این که قبلاً آن زمین ملی اعلام شده باشد مجوز قانونی ندارد، لازم بوده دادگاه با مراجعه و مطالبه سوابق مربوطه از طرفین مبتنی بر سوابق مزبور اخذ تصمیم نماید. علی هذا با نقض دادنامه رسیدگی به دادگاه عمومی خمین محول می‌گردد.

۱۴. دادنامه شماره ۱۷/۲۰۸ مورخ ۷۵/۷/۲۹ شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور - که در مقام

جدید نظر خواهی از دادنامه شماره ۴۴۶ مورخ ۷۴/۸/۲۸ شعبه اول دادگاه عمومی قصر شیرین صادر گردیده است: خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۷۳/۵/۵ اداره تجدید نظر خواننده به طرفیت اداره تجدید نظر خواه به خواسته صدور حکم بر فسخ و ابطال رأی شماره ۱۲/۴۸۸۴/م/الف اداره خواننده مبنی بر موات اعلام شدن قسمت‌هایی از پلاک ۱ اصلی قصر شیرین دادخواستی تسلیم دادگاه‌های عمومی اسلام آباد غرب نموده و در دادخواست و دادگاه و لوایح توضیح داده است که نسبت به رأی شماره فوق معترض است و به استحضار می‌رساند برابر گزارش تشخیص منابع طبیعی مورخ ۵۲/۱۱/۱۹ مأمور منابع طبیعی مبنی بر وجود ۵۱۵ هکتار اراضی مرتعی و مستثنیات اعم از زراعت و تأسیسات به مساحت ۱۱۵۰ هکتار در پلاک ۱ اصلی قصر شیرین و آگهی شماره ۵۰۸۴ - ۵۳/۳/۲۶ منتشره در هفته نامه... و روزنامه اطلاعات، مورخ ۵۳/۴/۵ به اطلاع عامه رسیده نظر به این که اراضی مرتعی پلاک موصوف در حاکمیت دولت قرار گرفته، لذا مستنداً به صدر ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، مصوب ۶۵/۹/۳۰ که اراضی دولتی را از قانون مرقوم مستثنی نموده است، در نتیجه هیأت هفت نفره ناظر بر اراضی موصوف نمی‌باشد؛ لذا این اداره صدور حکم به شرح فوق را تقاضا دارد. مستندات دیگری را به پرونده‌های مربوطه موجود در ادارات خواهان و خواننده احاله نموده پرونده به کلاس... دادگاه حقوقی یک اسلام آباد غرب ثبت شده. آن

دادگاه طرف قرار عدم صلاحیت شماره... پرونده را به اعتبار فعال شدن دادگاه حقوقی یک قصر شیرین و محل وقوع ملک رسیدگی به پرونده را در صلاحیت دادگاه اخیر اعلام نموده پرونده در دادگاه حقوقی یک قصر شیرین به کلاسه ثبت شده. اداره خواننده طی لوایح و به وسیله نمایندگان خود دفاع نموده است که پلاک ۱ قصر شیرین به عنوان ملک خالصه دولت به ثبت رسیده و بالتبعه اعلام ملی بودن اراضی مذکور از طرف اداره منابع طبیعی مغایر قانون ملی کردن جنگل ها و مراتع کشور صورت گرفته و اقدامات اداره خواننده برابر مقررات و طبق قانون مرجع تشخیص اراضی اموات و ابطال اسناد آن و آیین نامه اجرایی آن صورت گرفته، صدور حکم بر رد دعوی را تقاضا نموده. با صدور قرار عدم صلاحیت در رسیدگی به پرونده از دادگاه عمومی قصر شیرین به این اعتبار که دادگاه تجدید نظر مرکز استان را صالح دانسته و اعاده پرونده به دادگاه عمومی قصر شیرین با صدور قرار از جانب شعبه دوم دادگاه تجدید نظر استان کرمانشاه با تذکر این که دعوی مطروحه در مرحله بدوی در حال رسیدگی است، دادگاه شعبه دوم عمومی قصر شیرین و سپس شعبه اول دادگاه عمومی محل به شرح منعکس در پرونده مدافعات مکرر طرفین دعوی را مورد رسیدگی قرار داده و نهایتاً دادنامه تجدید نظر خواسته به خلاصه ذیل صادر شده است: خواسته اداره منابع طبیعی استان کرمانشاه به طرفیت مدیریت امور اراضی کرمانشاه ابطال رأی موضوع آگهی شماره ۴۸۸۴/۱۲/م/الف مبنی بر اعلام موات بخشی از پلاک یک اصلی روستای حاج فتح بیک حوزه ثبتی قصر شیرین است. اجرای ماده واحده مرجع تشخیص اراضی اموات مورخ ۳۰/۹/۶۵ دارای دو شرط اصلی است اولی این که زمین دارای سند باشد یا مدارک مالکیت اعم از رسمی یا غیر رسمی داشته باشد، دوم این که مالکیت این اراضی مربوط به غیر دولت باشد. هدف و نیت قانونگذار و فلسفه وضع قانون مذکور در آن برهه زمانی حفاظت و حراست اراضی اموات و جلوگیری از تصرف عدوانی و تخریب آن و ابطال اسناد بزرگ مالکان بر اراضی وسیع موات و همچنین ممانعت از سود جوئی این افراد بوده است که بدون هیچ سبب و مملک قانونی و صرفاً بر اساس تدلیس و زور در مالکیت آنان قرار گرفته و برای آن زمین اخذ سند رسمی یا غیر رسمی کرده‌اند و قانون مذکور صراحت در ابطال و بطلان

اسناد و مدارک اراضی موات مربوط به غیر دولت را دارد؛ یعنی می‌بایستی اراضی موضوع ماده مذکور در تصرف غیر دولت باشد و مصوبه مورخه ۶۸/۵/۳۰ ستاد مرکزی هیأت‌های هفت نفره پیرامون اجرای قانون مرجع تشخیص اراضی موات و تعیین حریم روستا خصوصاً بند هفت آن که می‌گوید: اجرای قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن بر روی اراضی مواتی که مقررات ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع را سپری کرده است لازم نیست، زیرا با اجرای ماده قانون یاد شده و قطعیت آن دولتی بودن زمین محرز است نیز ناظر بر همین معنا است که اجرای ماده واحده مذکور شامل اراضی دولتی نیست. بناءً علی هذا اراضی مواتی که دارای برگ تشخیص مأمورین منابع طبیعی هستند و در تصرف اداره منابع طبیعی به عنوان مرتع قرار دارند، تصرف مالکانه دلیل مالکیت است. برگ تشخیص مدرک محسوب است و یا بر روی آن‌ها اجرای مقررات ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها یا مقررات مربوط به قانون حفظ ذخایر جنگلی انجام گرفته، چون در تصرف منابع طبیعی است در مالکیت دولت بوده و از شمول ماده واحده قانون تعیین مرجع تشخیص اراضی موات خارج است و چون اراضی موات پلاک شماره یک اصلی روستای حاج فتاح پلاک یک حوزه ثبتی قصر شیرین و بر روی آن اجرای مقررات ماده ۵۶ به صورت کامل انجام گرفته، دادگاه رأی مورخ... موضوع آگهی شماره ۴۸۸۴/۱۲/م / الف مدیریت امور اراضی استان کرمانشاه را خلاف ماده واحده قانون مذکور تشخیص و ابطال می‌نماید. رأی در دادگاه استان قابل تجدید نظر است. با ابلاغ دادنامه اداره خواننده تجدید نظر خواهی نموده که پرونده با توجه به مرجع اعلام شده در رأی تجدید نظر خواسته بدو در شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان کرمانشاه مورد رسیدگی قرار گرفته و طی دادنامه شماره... مورخه ۷۵/۶/۱۵ با توجه به تقویم خواسته به مبلغ چهل میلیون ریال رسیدگی تجدید نظر خواهی در صلاحیت دیوان عالی کشور تشخیص داده شده که با وصول پرونده به دیوان کشور رسیدگی آن به این شعبه محول شده لوایح ارسالی طرفین دعوی به هنگام شور قرائت می‌شود. هیأت شعبه در تاریخ فوق تشکیل پس از قرائت گزارش عضو ممیز و مشاوره به شرح رأی صادر می‌نماید: رأی تجدید نظر خواه اعتراض خاصی که مورد توجه قرار گیرد

عنوان نکرده رأی بر طبق مواد قانونی صادر و از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی نیز فاقد اشکال قانونی است. علی هذا با اجازه ماده ۲۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب وارد تجدید نظر خواهی دادنامه مورد اعتراض ابرام می‌گردد.

۱۵. دادنامه شماره ۱۷/۷۳۰ مورخ ۱۲/۱۲/۷۴ شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور - که در مقام

اعمال ماده ۳۱ قانون^۱ تشکیل

دادگاه عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳ نسبت به رأی شعبه پانزدهم دادگاه تجدید نظر استان خراسان صادر گردیده است»:

خلاصه جریان پرونده: ابتدا تجدید نظر خوانده به طرفیت تجدید نظر خواه دادخواستی به خواسته ابطال رأی موات در خصوص اراضی ملی شده پلاک ۲ سر آب به استناد برگ مصدق تشخیص و آگهی مصدق ماده ۵۶ و آگهی معاونت امور اراضی به دادگاه عمومی خوفاً تقدیم و به خلاصه اعلام کرده است. خواننده بدون در نظر گرفتن مقررات و قوانین و صرفاً با بمسک به امور صوری مبادرت به اعلام موات ۸۵۰ هکتار از اراضی ملی پلاک ۲ بخش یک این شهرستان نموده است. حال با عنایت به این موضوع که اقدامات و عملیات خواننده من غیر حق و بر خلاف ضوابط حاکم انشاء معمول گردیده بنا بر موارد آتی استدعای رسیدگی و صدور حکم به ابطال آن را دارد. اولاً) اراضی مذکور قبلاً به جهت اجرای کامل ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور، جزء عرصه‌های مرتعی شناسایی و تشخیصی گردیده و بعد از درج آگهی در جراید کثیر الانتشار و یومیه و الصاق آن در معابر و روستاها و بخشهای ذی ربط به اطلاع عموم اهالی رسیده است و چون در مهلت قانونی کسی خود را در میزان مندرج در آگهی

۱. ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ مقرر می‌دارد: «محکوم علیه می‌تواند احکام قطعی یافته هر یک از محاکم را که قابل درخواست تجدید نظر بوده از تاریخ ابلاغ حکم تا یک ماه از دادستان کل کشور درخواست رسیدگی بنماید. دادستان کل کشور در صورتی که حکم را مخالف بین با شرع یا قانون تشخیص دهد از دیوان عالی کشور درخواست نقض می‌نماید. دیوان عالی کشور در صورت نقض رسیدگی را به دادگاه هم عرض ارجاع می‌دهد. رأی دادگاه در غیر موارد مذکور در ماده ۱۸ غیر قابل اعتراض و درخواست تجدید نظر است».

تشخیص ذی حق ندانسته و بالطبع معترض نگردیده، میزان تشخیص قطعی طبق ماده ۵۶ محسوب می‌گردد که بعد از طی مراحل مزبور تملیک قطعی آن به لحاظ دستور العمل مندرج در مادتين ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل‌ها و ۲۹ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها، از اداره ثبت درخواست اصدار سند به نام دولت و به نمایندگی گردیده است، و ثانیاً مطابق بند ۳ از واژه نامه قانون احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی، اراضی موات زمین‌های غیر آبادی است که سابقه احیاء و بهره برداری ندارند و از سویی وفق آئین نامه اجرایی همان قانون مصوب شورای انقلاب، اراضی منابع طبیعی که اعم از جنگل یا بیشه طبیعی و مراتع می‌باشند، عبارت از عرصه‌هایی که در فصل چرای پوشش از نباتات علوفه ای می‌باشد که دقیقاً همین مقررات قبلاً در بند ۹ از ماده یک قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل مذکور افتاده است. از طرفی تعریفی که از اراضی موات ارائه گردیده حاکم بر عرصه‌ها می‌باشد که لم یزرع بوده و فاقد سابقه احیاء و بهره برداری می‌باشد که این تعریف در بند ۵ ماده یک آئین نامه اجرایی لایحه قانونی واگذاری و ماده یک آیین نامه ابطال اسناد اراضی موات آمده است که مشخصاً معلوم می‌دارد این دو نوع عرصه از لحاظ ماهیت با یکدیگر متمایز بوده و زمین‌های ملی شده به اعتبار مرتعی بودن آن و به جهت بافت عوامل تشکیل دهنده آن و پوشش گیاهان مرتع با زمین‌های لم یزرع کاملاً متفاوت و غیر همگون است.

از این رو نمی‌توان حکم هر دو را در یک مورد صادق دانست، ثالثاً بنابر نص صریح قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن دایره و محدوده عملکرد هیأت‌های واگذاری و مجریان قانون فوق ابطال اسناد مربوط به غیر دولت بوده و هیأت واگذاری یا معاونت واگذاری حق هیچ گونه دخل و تصرف و یا اعلام موات اراضی ملی شده را به جهت عدم صلاحیت قانونی نداشته و از این رو حکم عرصه‌های مرتعی به جهت دارا بودن قانون خاص و متصدی (سازمان جنگل و مراتع کشور) تحت شمول موات نبوده. بنابر این اعلام موات آن به جهت فقدان صلاحیت بلا اعتبار محسوب می‌گردد. رابعاً بر مبنای مصوبه ۵۰۲۰..... شورای عالی ادارات مرجع و بازوی تصمیم گیرنده در رابطه با قانون فوق الاشاره هیأت

واگذاری زمین می باشد و معاونت امور اراضی صلاحیت قانونی و اداری جهت اعلام موات و سایر موارد نداشته و از این رو به لحاظ فقدان صلاحیت بانص صریح مصوبه فوق و عدم رعایت تبصره یک ماده ۳ آیین نامه قانون مزبور، در مورد اعلام آگهی و بی توجهی به ماده ۲ آیین نامه اجرایی در خصوص حدود اختیارات هیأت و این که این قبیل اقدامات کلاً بر خلاف ضوابط و فاقد ارزش حقوقی می باشد، علی هذا بنابر دلایل فوق، صدور حکم به ابطال اقدامات خواننده به جهت بی توجهی به اراضی ملی و عدم رعایت اصل ۴۵ قانون اساسی و سایر مقررات لازم الاجرا به نمایندگی از طرف دولت جمهوری اسلامی می باشد. رسیدگی به پرونده به دادگاه عمومی خواف محول با وصول پرونده به دادگاه طرفین دعوی جهت رسیدگی دعوت می شوند. در جلسه ۷۳/۹/۱۰ شعبه اول دادگاه عمومی خواف پس از استماع اظهارات طرفین دعوی و ملاحظه لوایح ارسالی آنان و صدور قرار معاینه محلی در زمینه این که اراضی متنازع فیه مرتع و تحت پوشش گیاهی هستند یا موات بالاصاله هستند و اجرای قرار صادره و استماع اظهارات طرفین دعوی و بررسی اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به موجب دادنامه شماره پس از ذکر مقدمه ای از جریان دعوی بنابه جهات و دلایلی که در دادنامه ذکر گردیده، دعوی خواهان را ثابت تشخیص و مستنداً به تبصره یک ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات حکم به ابطال رأی شماره منتشره در روزنامه های کثیرالانتشار (جمهوری - خراسان) به شماره های صادر و اعلام می گردد که پس از ابلاغ دادنامه به محکوم علیه مشاوره نسبت به دادنامه صادره معترض و با تسلیم دادخواست تجدید نظر به دادگاه استان خراسان تقاضای رسیدگی و نقض دادنامه تجدید نظر خواسته را کرده است. رسیدگی به پرونده به شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان خراسان محول، دادگاه مذکور پس از یک سلسله رسیدگی سرانجام به موجب دادنامه شماره ۲۶ - ۲۶ - ۷۴/۱/۲۱ بنا به جهات و دلایلی که در دادنامه ذکر گردیده دادنامه تجدید نظر خواسته را نقض و حکم به رد دعوی اداره منابع طبیعی شهرستان خواف صادر و اعلام می نماید.^۱ اداره منابع طبیعی خواف با ارسال لایحه به رأی دادگاه تجدید نظر استان معترض

۱. متن این رأی قبلاً در ردیف شماره ۸ دادنامه عیناً ذکر شد.

شده و تقاضای اعمال ماده ۳۱ را می نماید و دادسرای دیوان عالی کشور با بررسی محتویات پرونده و مندرجات صورت مجلس اجرای قرار معاینه محل به رأی دادگاه تجدید نظر استان خراسان اشکال زیر را وارد می داند. چون برابر سابقه امر در اراضی مورد ادعای اداره منابع طبیعی شهرستان خواف مقررات ماده ۵۶ قانون حفاظت از جنگل ها و بهره برداری از آن اجرا شده و اعتراضی به آگهی های منتشر شده واصل نشده، به این جهت این اراضی جزء منابع ملی تشخیص داده می شود و با ملاحظه این که برابر صورت مجلس اجرای قرار معاینه محل اراضی مورد ادعا تحت پوشش گیاهی بوده است و آثار موجود در محل دلالت بر این امر داشته است که از مراتع مذکور دامداران استفاده می کرده اند و دلایل و مدارک موجود در پرونده کافی در اثبات ادعای اداره خواهان می باشد و از این جهت به حکم دادگاه تجدید نظر استان مبنی بر رد دعوی ایراد وارد است و برابر ماده ۳۱ درخواست تجدید نظر نموده که مورد موافقت دادستان کل کشور قرار گرفته و پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال که به کلاس بالا ثبت و رسیدگی به موضوع به این شعبه محول که گزارش به شرح فوق تهیه و اوراق پرونده و لوایح در موقع شور بررسی و قرائت می شود. بسمه تعالی: هیأت شعبه در تاریخ ۷۴/۱۲/۱۲ تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش تنظیمی و اوراق پرونده و لوایح مشاوره نموده چنین رأی می دهد: اعتراضات معترض و متقاضی اعمال ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مآلاً وارد است. برابر سابقه امر در اراضی مورد ادعای اداره منابع طبیعی شهرستان خواف، مقررات ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها اجرا شده و اعتراضی به آگهی های منتشره واصل نشده است و اراضی مذکور جزء منابع طبیعی (ملی) تشخیص می باشد. با توجه به صورت مجلس اجرای قرار معاینه محل اراضی مورد ادعا تحت پوشش گیاهی بوده و آثار موجود در محل دلالت بر این داشته است که از مراتع مذکور دامداران استفاده می کرده اند. بنا به مراتب دادنامه صادره از شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان خراسان را مخدوش تشخیص و با نقض آن پرونده را در اجرای بند ۲ ماده ۲۳ قانون تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب به شعبه دیگر دادگاه عمومی خواف ارسال می دارد که پس از رسیدگی رأی مقتضی صادر نماید.

۱۶. دادنامه شماره ۱۷/۱۱۹ مورخ ۷۵/۴/۳۱ شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور - که در مقام اعمال ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳ نسبت به رأی شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان زنجان صادر گردیده است. گردشکار

خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۷۳/۸/۱ اداره کل منابع طبیعی استان زنجان به طرفیت مدیریت امور اراضی استان زنجان به خواسته صدور حکم بر ابطال رأی مدیریت امور اراضی استان زنجان مبنی بر تشخیص اراضی اموات در محدوده روستای آقچه پیره پلاک ۱۱ اصلی بخش ۷ زنجان در دادگاه‌های حقوقی یک زنجان اقامه دعوی نموده و به استناد فتوکپی برگ تشخیص مورخ ۵۴/۲/۲۹ و صورتجلسه مورخ ۷۱/۱۰/۱۲ در ارتباط با مرتع و تمیز آن از اراضی اموات در دادخواست و دادگاه توضیح داده است که خواننده بر خلاف مواد یک و ۲ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع و ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی که عرصه و اعیان کلیه جنگل‌ها و مراتع کشور را جزء اموال عمومی و متعلق به دولت دانسته، اقدام به صدور رأی مبنی بر موات شناختن شصت هکتار از اراضی مرتعی و ملی شده پلاک یک اصلی بخش ۷ زنجان قریه آقچه پیره نموده، با توجه به برگ تشخیص مورخ ۵۴/۲/۲۹ اراضی مرتعی متعلق به دولت با نمایندگی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور می‌باشد، رسیدگی و صدور حکم به شرح ستون خواسته دادخواست مورد تقاضاست. نماینده خواننده در دادگاه با تسلیم فتوکپی رأی صادره و کروکی محل دفاع نموده است که طبق صورت مجلس شماره ۲۹۹ - ۷۳/۴/۲۹ شورای مرکزی هیأت ۷ نفره واگذاری زمین استان زنجان، حدود شصت هکتار از اراضی پلاک مورد ادعا موات تشخیص شده با عنایت به این که مقدار ۸۹ شعیر از ۹۶ شعیر در اجرای مرحله اول قانون اصلاحات ارضی توسط وزارت کشاورزی خریداری گردیده و اراضی مزروعی آن به استثناء اراضی بایر، موات و مرتع غیر مشجر آن به زارعین صاحب نسق واگذار گردیده و طبق بند «الف» ماده ۴ لایحه قانونی جنگل‌ها و مراتع، اراضی مرتعی غیر مشجر در اختیار وزارت کشاورزی قرار دارد، با توجه به برگ تشخیص مورخ ۵۴/۲/۲۹ خواهان در بند ۱۱ صورتجلسه فوق تصریح گردیده چون در شش دانگ روستای مذکور مراتع مازاد بر حد نصاب وجود ندارد و طبق بند «ب» ماده ۴

قانون مذکور، مشمول مقررات قانون ملی شدن جنگل و مراتع کشور نبوده و غیر ملی اعلام گردیده است، لذا با عنایت به این که اداره کل منابع طبیعی اراضی مذکور را غیر ملی اعلام کرده و مقدار ۸۹ شعیر از ۹۶ شعیر شش دانگ با سند رسمی به وزارت کشاورزی منتقل و به زارعین واگذار شده، ادعای منابع طبیعی به عنوان ملک ملی شده بی اساس بوده صدور حکم بر رد دعوا مورد استدعا است. دادگاه اخذ توضیح از نماینده اداره امور اراضی در مورد ابطال اسناد و مدارک مربوط به اراضی موات را ضروری دانسته و با استماع توضیحات نماینده اداره منابع طبیعی و اعلام ختم رسیدگی طی دادنامه شماره ۷۱/۶/۷۴ مورخه ۷۴/۴/۶ رأی صادر نموده..... نظر به این که به موجب مستفاد از مدلول ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مبنی بر ابطال اسناد و مدارک مربوط به اراضی موات غیر دولت ظهور در این امر دارد که هیأت‌های واگذاری زمین قانوناً حق دخالت و تصمیم‌گیری در اراضی متعلق به دولت ندارند، بنابراین با اعمال مقررات قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور مالکیت دولت در این گونه اراضی مستقر و جزء منابع ملی شده محسوب می‌شود. لذا دادگاه ادعای اداره خواهان را ثابت تشخیص و حکم بر ابطال رأی شماره ۲۹۹ - ۷۳/۴/۲۹ هیأت هفت نفره واگذاری و احیاء اراضی استان زنجان صادر می‌نماید. با تجدید نظر خواهی اداره امور اراضی شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان زنجان طی دادنامه شماره ۱/۱۲۲/۷۴ - ۷۴/۷/۲۰، دادنامه مورد اعتراض را تأیید نموده، دادنامه اخیر بنا به گواهی دفتر شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان زنجان در تاریخ ۷۴/۸/۲۷ به اداره امور اراضی تحویل شده که در تاریخ ۷۴/۹/۲۶ درخواست آن اداره ذیل شماره ۱۵۸۰۳ در مورد اعمال ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ثبت دفتر دادرسی دیوان کشور شده است. گزارش مورخه ۷۵/۱/۲۵ جناب آقای..... دادیار محترم دادرسی دیوان عالی کشور و نظریه ایشان مبنی بر ضرورت اعمال ماده ۳۱ قانون فوق الذکر به علت عدم رسیدگی دادگاه‌های بدوی و تجدید نظر به اعتراضات خوانده دعوی در تاریخ ۷۵/۲/۲۱ به موافقت جناب آقای دادستان محترم کل کشور رسیده، با ارسال پرونده به دیوان کشور رسیدگی آن به این شعبه محول شده، گزارش عضو ممیز هنگام شور قرائت خواهد شد. هیأت شعبه در

تاریخ فوق تشکیل پس از قرائت گزارش تنظیمی و مشاوره به شرح زیر رأی صادر می نماید:

رأی: طبق نظریه مورخ ۵۴/۲/۲۹ مربوط به گزارش اجرای قسمت اول ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع کشور در مورد پلاک ۱ بخش ۷ زنجان به نام آقچه پیره محدوده پلاک مزکور خارج از شمول قانون جنگل ها و مراتع کشور تشخیص و اعلام گردیده با اعلام عدم وجود مراتع مازاد بر حد نصاب و غیر ملی اعلام شدن کل پلاک و با توجه به مندرجات ماده واحده قانون تشخیص اراضی اموات و ابطال اسناد آن تنها از متصرف فعلی و منکر اموات بودن مورد تصرف، طبق تبصره یک ماده واحده قانون فوق الاشعار اعتراض به رأی اموات صادره از هیأت واگذاری اراضی قابل پذیرفتن است و سازمان جنگل ها و مراتع (اداره کل منابع طبیعی زنجان) خارج از شمول مصادیق افرادی که حق اعتراض دارند بوده بالتبلیغ بر رسیدگی و صدور حکم بر ابطال رأی شماره ۲۹۹ - ۷۳/۴/۲۹ هیأت ۷ نفره واگذاری و احیاء اراضی استان زنجان موجب قانونی وجود نداشته، دادنامه شماره ۷۱/۶/۷۴ صادره از شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان زنجان و دادنامه شماره ۷۱/۶/۷۴ مورخ ۷۴/۴/۶ صادره از شعبه ششم دادگاه عمومی زنجان با اجازه ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب نقض و تجدید رسیدگی حسب تصمیم ریاست کل دادگاه های عمومی زنجان به یکی دیگر از شعب آن دادگاه محول می گردد.

«نقد و بررسی آراء»

با ملاحظه و دقت در آراء اعم از محاکم عمومی، تجدید نظر و شعبات دیوان عالی کشور که به عنوان چند نمونه آن ها ذکر شد - نتایج زیر به دست می آید:

الف) در اکثر آراء این مطلب که «محدوده عمل ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی اموات و ابطال اسناد آن مصوب سال ۶۵ فقط اسناد و مدارک مربوط به غیر دولت است و سازمان امور اراضی صلاحیت دخالت در زمین هایی که مالک آن یا متصرف آن دولت است را ندارد» مشاهده می شود.

ب) در برخی آراء، علت مؤخر بودن زمان تصویب قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۷۱/۷/۵ از ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی اموات و

ابطال اسناد آن مصوب سال ۱۳۶۵ مؤبد ذی حق بودن سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و صحت ادعای آن سازمان در اعتراض به آگهی اعلام موات صادر شده در مورد زمین‌های مرتع شناخته شده است.

ج) در بعضی آرا، صدور پروانه چرای دام و انجام دادن عملیات واقدامات مناسب برای حفظ و بهره برداری از مراتع توسط سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور دلیلی بر مثبت بودن ادعای سازمان مذکور در اعتراض به آگهی اعلام موات چنین زمین‌هایی یا درخواست ابطال سند این زمین‌ها - که سازمان امور اراضی به عنوان موات بودن به نام خود اخذ کرده - تلقی گردیده است.

د) در تعدادی از آراء استدلال شده که: «همین مقدار که زمینی مرتع محسوب گردد - چه مرتع طبیعی در تعریف شرعی و قانونی اراضی موات قرار بگیرد یا نه - چون برابر قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع و قوانین و آیین‌نامه‌های مشابه و مرتبط با آن، حفظ، احیا، اصلاح، توسعه و بهره برداری از این گونه زمین‌ها به عهده سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور است، نهادها و ادارات دیگر مسئولیتی در این خصوص ندارند. همچنین زمان و نحوه تشخیص منابع ملی و مستثنیات موضوع قانون مذکور تأثیری در کاهش یا زوال مسئولیت قانونی سازمان یادشده نداشته و قانون مرجع تشخیص اراضی موات و... در این رابطه مسئولیتی برای سایر نهادها و ادارات از جمله هیأت‌های هفت نفره واگذاری اراضی ایجاد نکرده است.» در حالی که در برخی از آراء استدلال شده: «صرف ادعای مرتع بودن اراضی مورد بحث دلیلی بر مالکیت و ذینفع بودن اداره منابع طبیعی نمی باشد، بلکه ذی نفع بودن اداره مذکور و مرتع بودن اراضی موصوف در صورتی است که طبق مقررات قانونی این اراضی قبلاً مرتع تشخیص و مراحل قانونی اش را طی نماید.» اما به هر حال معلوم نشده با توجه به این که در حال حاضر اعتراضی از لحاظ زمان در خصوص ملی اعلام شدن زمین مقید به مهلت خاصی نیست و بعد از برگ تشخیص و رأی کمیسیون ماده واحده و تأیید رأی کمیسیون در دادگاه عمومی و تأیید رأی دادگاه عمومی در دادگاه تجدید نظر می توان به لحاظ قطعی بودن رأی دادگاه تجدید نظر اعلام ملی بودن را پس از رأی دادگاه اخیر الذکر قطعی

دانست، آیا منظور از طی مراحل قانونی مندرج در این گونه آرا که ذکر شد صدر رأی دادگاه تجدید نظر است، آن هم در صورتی که موضوع اعمال ماده ۳۱ واقع نشود، یا غیر آن. این مطالب که در هیچ یک از آرا در موردش تحلیل دقیق حقوقی به عمل نیامده است که در پایان مبحث در قسمت جمع بندی بحث و نتیجه گیری در مورد آن صحبت خواهد شد.

ها) در آرای دیگر به این دفاع سازمان امور اراضی که «منظور از صدور ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی اموات و... اراضی است که به نام منابع طبیعی به ثبت رسیده و در واقع سند آن اراضی به نام منابع طبیعی صادر و تسلیم گردیده» ترتیب اثر داده نشده و استدلال شده اگر به فرض کلمه «اسناد» را به خاتمه جریان ثبتی و صدور سند مالکیت تعبیر کنیم در مورد مدارک چنین امری میسر نیست، چرا که در ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی اموات و... هم به اسناد و هم به مدارک اشاره شده است.

و) در بعضی دیگر از آرا اشاره شده «اصولاً دور از ذهن است که قانونگذار در باره زمین هایی که قبلاً به موجب ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها ملی اعلام شده و در اختیار دولت قرار گرفته مجدداً مقرراتی جهت ابطال مقررات قبلی وضع نماید.

ز) در برخی آرا، اصل چهل و پنجم قانون اساسی که اشعار می دارد «انفال و ثروت های عمومی از قبیل زمین های اموات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و سایر آب های عمومی، کوه ها، دره ها، جنگل ها، نزارها، بیشه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست و... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند»، مستند قانونی صحیح بودن ادعای سازمان جنگل ها و مراتع کشور در موضوع مورد اختلاف قرار گرفته و ذکر شده است.

ح) در نمونه ای از آرای ذکر شده یکی از شعب دادگاه های تجدید نظر استدلال کرده: «اگر قضیه معکوس فرض شود و معترض اداره مقابل (اداره منابع طبیعی) تلقی گردد. مثلاً اولین تشخیص دهنده اداره امور اراضی باشد، اداره منابع طبیعی حق اعتراض خواهد داشت، به علت این که حیطه وظایف اداره امور اراضی محدود به زمین های غیر دولتی است. اداره منابع طبیعی با تمسک به دلایل لازم می تواند ادعای مرتع بودن نماید و در این صورت نیاز به

تعیین کارشناس و طی مراحل رسیدگی و بالاخره صدور حکم مقتضی خواهد بود»، در حالی که در نمونه رأی دیگری از شعبه دیگر دادگاه تجدید نظر استدلال شده: «تعریف اراضی موات به مستفاد از قانون مدنی به لحاظ مبنای فقهی شامل اراضی مرتعی نیز می شود». نتیجه این که محدوده عمل سازمان امور اراضی به لحاظ عمومیت داشتن موات نسبت به مرتع به طور وسیع است و چنانچه زمین های مرتعی هم مورد اجرای قانون مرجع تشخیص اراضی موات توسط سازمان امور اراضی قرار بگیرد فاقد اشکال بوده، مصداق 'چون که صد آمد نود هم پیش ماست' خواهد بود.

ط) در قسمتی از رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور در نقض رأی دادگاه حقوقی یک سابق خمین چنین استدلال شده که: «... تشخیص ملی بودن با وجود سند مالکیت در ید متصرف منافات ندارد. بنابراین و با عنایت به این که تشخیص موات بودن زمین با فرض این که قبلاً آن زمین ملی اعلام شده مجوز قانونی ندارد لازم بوده دادگاه با مراجعه و مطالبه سوابق مربوطه از طرفین مبتنی بر سوابق مزبور اخذ تصمیم نماید».

ی) از سه نمونه رأی که شعبه هفدهم دیوان عالی کشور در مورد موضوع بحث - یک مورد در مقام تجدید نظر خواهی از رأی دادگاه حقوقی یک سابق خمین و دو مورد در مقام اعمال ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ - صادر کرده، در مورد یک رأی یعنی رأی ردیف ۱۶، به نفع سازمان امور اراضی اعمال ماده ۳۱ پذیرفته شده و در مورد دو رأی دیگر تجدید نظر خواهی و اعمال ماده ۳۱ آن به نفع سازمان جنگل ها و مراتع کشور پذیرفته شده است، اما با دقت در چگونگی جریان پرونده های موضوع تجدید نظر خواهی و اعمال ماده ۳۱ و نحوه استدلال شعبه هفدهم دیوان در مورد هر کدام از پرونده ها معلوم می گردد در مواردی که تجدید نظر خواهی و اعمال ماده ۳۱ به نفع سازمان جنگل ها و مراتع کشور پذیرفته شده، زمان اعمال ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها، مراحل اجرایی و صدور رأی کمیسیون موضوع آن ماده واحده مصوب سال ۶۷ - راجع به تعیین تکلیف اراضی اختلافی در مورد زمین های اختلافی - سپری شده بوده و در واقع آن زمین ها در مرجع قانونی ملی اعلام شده بوده و در موردی که اعمال ماده ۳۱ به نفع

سازمان امور اراضی پذیرفته شده، بحث بودن یا نبودن مرتع در پلاک مورد اختلاف مطرح بوده و در نتیجه شعبه هفدهم دیوان بدین استدلال که، طبق نظریه مورخه..... مربوط به گزارش اجرای قسمت اول ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع کشور در مورد پلاک..... بخش..... زنجان به نام..... محدوده پلاک مذکور خارج از شمول قانون جنگل ها و مراتع کشور تشخیص و اعلام گردیده با اعلام وجود مراتع مازاد بر حد نصاب و غیر ملی اعلام شدن کل پلاک و با توجه به مندرجات ماده واحده قانون تشخیص اراضی اموات ابطال اسناد آن تنها از متصرف فعلی و منکر موات بودن مورد تصرف طبق تبصره یک ماده واحده قانون فوق الاشعار اعتراض به رأی موات صادره از هیأت تشخیص اراضی قابل پذیرفتن است.....». در مورد این پرونده که در آن در واقع بحث مرتع بودن زمین مطرح بود، رأی به نفع سازمان امور اراضی صادر گردید، چرا که در آن وجود زمین مرتع محل تردید بوده، نه این که با وجود معلوم بودن مرتع، اقدامات سازمان امور اراضی در مورد زمین های مرتع مجاز و مورد قبول دانسته شده باشد. البته دو شرطی را که شعبه هفدهم دیوان کشور تحت عنوان «متصرف بودن و منکر زمین موات بودن» در مورد متقاضی اعتراض به آگهی اعلام موات در رأی اخیر خود بدان استناد کرده مطلبی است قابل توجه که در ادامه بحث، بر رسی خواهد شد.

بجا است اشاره شود برخی محاکم از جمله شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان کرمانشاه - همان طور که در متن اولین نمونه رأی شعبه هفدهم دیوان عالی کشور (به شماره ۱۷/۲۰۰) نقل شد - به تقویم خواسته به مبلغ چهل میلیون ریال که محکمه بدوی بر اساس مالی دانستن خواسته (ابطال رای سازمان امور اراضی، هیأت هفت نفره واگذاری زمین) تعیین کرده بوده، ترتیب اثر داده و به اعتبار بالا بودن مبلغ خواسته از نصاب صلاحیت مرجع تجدید نظر مرکز استان، قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت دیوان عالی کشور اعلام داشته و پرونده موضوع اختلاف به شعبه هفدهم دیوان کشور ارجاع گردیده و با توجه به این که شعبه هفدهم دیوان بدون ایراد به صلاحیت رسیدگی کرده، علی الاصول به مالی بودن خواسته ابطال رای هیأت هفت نفره واگذاری زمین صحه گذاشته، در حالی که همین شعبه دیوان در

دو رای دیگری که ذکر شد در مقام اعمال ماده ۳۱ نسبت به آرای شعب تجدید نظر استان هم رسیدگی کرده، اما به مالی بودن یا غیر مالی بودن خواسته که در تعیین مرجع صالح تجدید نظر نقش اساسی دارد هیچ اشاره ای نکرده است. به هر حال با توجه به رسیدگی به تجدید نظر خواهی از این گونه خواسته‌ها که در اغلب محاکم تجدید نظر مرکز استان‌ها انجام می‌شود و مستنبط از رای وحدت رویه شماره ۷-۶۲/۳/۲-۶۲ ردیف ۵/۶۲ که در نظریه شماره ۶۶/۲/۲۲/۷/۱۱۶۶ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز بدان استدلال شده و این که در حال حاضر مطابق رای وحدت رویه شماره هیأت عمومی دیوان عالی کشور، آرای مربوط به دعاوی غیر مالی قابل تجدید نظر خواهی است و این گونه دعاوی فقط در دادگاه‌های تجدید نظر مرکز استان قابل تجدید نظرند و نیز این که خواسته ابطال رای هیأت هفت نفره واگذاری زمین فی حد نفسه بار مالی ندارد و در واقع اعتراض به صحیح اجرا نشدن قانون توسط یک نهاد دولتی است، بنابر اصول دادرسی مدنی و اتخاذ رویه از موارد مشابه و غیر مالی رسیدگی شدن این گونه دعاوی در دادگاه‌های حقوقی یک سابق و مشکلات عملی که در مالی تلقی کردن این نوع دعاوی ناگزیر خواهد بود، به نظر می‌رسد که اصلح این است که این قبیل خواسته‌ها غیر مالی دانسته شود. البته چنان چه اقدامات سازمان ذی ربط منتهی به صدور سند مالکیت به نام آن نهاد - به نمایندگی از دولت - شده باشد، چون برابر ماده ۲۳ قانون ثبت، دولت فقط کسی را که ملک به نام او ثبت شده یا کسی را که ملک مذکور رسماً به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده باشد یا ملک مذبور از مالک رسمی به ارث به او رسیده باشد مالک خواهد شناخت، هرگاه شخص حقیقی یا حقوقی ابطال سند رسمی را از دادگاه کند چون در واقع مدعی مالکیت نسبت به ملک دیگری است و نتیجه این ادعا نفیاً یا اثباتاً از لحاظ مالکیت طرفین مؤثر است، چنین خواسته مالی است و باید تقویم شود و رویه واحد قضایی نیز همین است.

۱- نظریه مشورتی شماره ۶۶/۲/۲۲-۷/۱۱۶۶ اداره حقوقی قوه قضائیه بدین شرح است:

سؤال: «رسیدگی به اعتراض به نظریه کمیسیون موضوع ماده ۱۲ قانون اراضی شهری در صلاحیت دادگاه حقوقی یک می‌باشد یا دو؟ پاسخ: چون دعوی مورد سوال طبق رای شماره

۷-۶۲/۳/۲ ردیف ۵/۶۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، غیر مالی است و جز موارد منصوص در صلاحیت دادگاه‌های حقوقی دو تصریح نشده است، بنا به مراتب با عنایت به صلاحیت عام دادگاه‌های حقوقی یک رسیدگی به موضوع مندرج در استعمال در صلاحیت دادگاه حقوقی یک می باشد در این خصوص لازم به ذکر است رای وحدت رویه دیوان به شماره مذکور صراحت در غیر مالی بودن دعاوی مربوط به اعتراض به نظر کمیسیون موضوع ماده ۱۲ قانون اراضی شهری مصوب سال ۱۳۶۰ که موضوع آن مشابه کمیسیون موضوع ماده ۱۲ قانون زمین شهری مصوب سال ۱۳۶۶ بوده و مربوط به اعلام رای در خصوص زمینهای موات داخل و خارج شهرهاست، ندارد، ولی با توجه به موضوع مختلف فیه در دیوان و ترویج نظر دادگاهی که خواسته را غیر مالی دانسته در رای وحدت رویه، می توان چنین استنباطی کرد، ولی در متن رای وحدت رویه دیوان بحث غیر مالی بودن چنین خواسته ای به صراحت مطرح نشده است.

* * *

حال در ادامه بحث به تبیین و تشریح موضوع مورد اختلاف پرداخته، فروعاً مرتبط با بحث را نیز بررسی می کنیم. ابتدا به ذکر تعاریف اراضی موات و مرتع مندرج در متون فقهی و موادو آیین نامه‌های قانونی می پردازیم:

مرحوم محقق حلی (ره) در تعریف زمین موات می فرماید «... و اما الموات: فهو الذی لا ینتفع به لعطلته، اما لانقطاع الماء عنه او لا ستیلاء الماء علیه او لا نتیجانه، او غیر ذلک من موانع الانتفاع، فهو للامام (ع) لا یملکه احد و ان احیاه، ما لم یأذن له الامام...»

ترجمه: و اما موات یعنی غیر آباد، پس آن ملکی است که از آن انتفاع برده نشود به دلیل معطل بودنش یا به سبب بریده شدن آب از آن یا به سبب مستولی شدن آب بر آن یا به سبب نزار شدنش یا غیر آن از موانع انتفاع بردن آن. پس آن زمین موات متعلق به امام (ع) است و کسی آن را مالک نمی شود؛ هر چند آن را احیا کند، مادام که امام به او اذن ندهد.

مرحوم شهید اول (ره) و مرحوم شهید ثانی (ره) در شرح سخن وی در تعریف موات می فرماید: «ای الموات من الارض [مالاً ینتفع به] منها [لعطلته او لا نتیجانه، او لعدم الماء عنه او

لاستیلاء الماء علیه] و لو جعل هذه الاقسام أخراداً لعطلته، لانها اعم منها كان اجود و لا فرق بين ان يكون قد سبق لها احيا ثم ماتت، و بين موتها ابتداء على يقتضيه الاطلاق و هذا يتم مع اباده اهله بحيث لا يعرفون و لا بعضهم فلو عرف المحيي لم يصح احياؤها على ما صرح به المصنف فى الدروس و سیأتى ان شاء تعالى ما فيه و لا يعتبر تحقق موتها العارض ذهاب رسم العمارة رأساً، بل ضابطه العطله و ان بقيت آثار الانهار و نحوها، لصدقه عرفاً معها خلافاً لظاهر التذكرة...»

ترجمه: «موات به زمینی گویند که به واسطه یکی از این علل مورد انتفاع و بهره برداری واقع نشود: معطل ماندن و بدون مصرف بودن زمینی، به صورت جنگل (نی زار) در آمدن آن، معدوم شدن آب از آن یا مستولی شدن آب بر زمین». مرحوم شهید ثانی (ره) در تشریح نظر مرحوم شهید اول می فرماید: اگر مرحوم شهید اول این اسباب را اقسام و افراد برای «عطله» یعنی معطل و بی مصرف ماندن زمین قرار می داد بهتر بود، زیرا «عطله» امری است اعم از همه این امور و بر همه آنها قابل انطباق است و فرقی در موات بودن زمین و جریان احکام آن نیست بین این که کسی قبلاً آن را احیا کرده و سپس به صورت موات در آمده باشد یا زمین از بدو امر به صورت موات بوده و قبلاً احیایی واقع نشده باشد، چنان که مقتضای اطلاق عبارت نیز چنین است، ولی این اطلاق وقتی صحیح است که اهل و سکنه زمین تمام هلاک شده باشند، به طوری که نه تمام و نه بعضی از ایشان شناخته نشوند. بنابر این اگر کسی که قبلاً زمین را احیا کرده، معلوم و شناخته شده باشد طبق تصریح مرحوم مصنف در کتاب دروس، احیای دوباره زمین برای دیگری صحیح نیست و به زودی خواهیم گفت که این حکم مورد اشکال و انتقاد است. مرحوم شهید ثانی (ره) در ادامه شرح خود می فرماید: در تحقق موات عارضی بر زمین شرط نیست که آثار عمارت آبادانی به طور کل محو و نابود شود، بلکه ضابطه و قاعده کلی در تحقق این عنوان [عنوان موات] این است که زمین معطل مانده باشد، اگر چه آثار جویها و امثال آن باقی باشد، چه آن که از نظر عرف با بقای این آثار نیز موات صادق است، ولی در عین حال مرحوم علامه در کتاب تذکره با این قول مخالفت کرده است. بزرگان دیگر از فقها از جمله علامه حلی (ره) در تبصرة المتعلمین و شیخ مرتضی

انصاری (ره) در مکاسب و امام خمینی (ره) در جلد دوم تحریر الوسیله تعبیری مشابه تعبیر مرحوم محقق حلی (ره) و شهید اول و ثانی - ط - رحمه الله علیهما - ذکر کرده اند، البته با اندک تغییر در عبارت به حدی که اصل مطلب لطمه نمی زند. برای پرهیز از اطاله بحث از نقل مطالب خودداری می شود. به هر حال زمین موات در فقه اسلامی ملک خصوصی اشخاص و به اصطلاح فقها، «مملوک» نیست و فقط احیای زمین به سبب تملک آن توسط احیاکننده می گردد. البته برخی از تفسیری از این محدود تر کرده، معتقدند احیای زمین فقط نوعی حق خاص بهره برداری برای احیاکننده آن ایجاد می کند، ولی موجب مالکیت وی نمی شود و لذا در صورت ترک احیا از سوی احیاکننده هر شخص دیگری می تواند مبادرت به احیای آن زمین کرده، از آن بهره برداری کند.

نتیجه ای که از این بحث به دست می آید پیش تر فقها در تعریف زمین موات اتفاق نظر دارند و آن را زمینی می دانند که معطل مانده و از آن استفاده نمی شود، خواه در اثر بی آبی باشد خواه در اثر فرو رفتن زمین در آب، شن، سنگ و ماسه، خواه به خاطر پوشیده شدن زمین از درخت و نیزار و غیره. لذا این تعریف هم شامل زمین هایی می شود که هیچ گاه سابقه بهره برداری نداشته اند و هم شامل زمین هایی که پیش تر کلاً یا بعضاً از آن ها استفاده می شده است، لیکن بعد به عللی از قبیل بی آبی و اعراض از احیای بی اعتنائی احیاکننده و غیره ترک احیا شده اند. مطلب مهم این که زمین هایی که به نحو طبیعی به صورت مرتع - اعم از مشجر یا غیر مشجر - باقی مانده قسمی از اقسام زمین موات است. بنابراین از لحاظ منطقی، بین زمین موات و زمین مرتع و جنگلی، نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است، بدین معنی که هر زمین مرتع لزوماً موات هم هست، ولی هر زمین موات لزوماً مرتع نیست و ممکن است نوع دیگری باشد. بنابراین زمین موات اعم است از مرتع و غیر آن. اما از لحاظ کاربردی و عملی بدیهی است اثبات عدم احیا، کاری دشوار و در بسیاری موارد غیر ممکن است، ولی در هر حال چنانچه هیچ گونه نشانه ای خواه بر روی زمین، مثل کرت بندی و آثار جوی آب یا چاه و قنات و مخلوط خاک و غیره، و خواه در اسناد و مدارک مثل قید زراعی یا باغ یا اشجار یا اعیانی و مستحدثات در سند یا نقشه های دقیق حاکی از سابقه عمران و احیای زمین و غیره

وجود نداشته باشد به نظر می رسد باید بنا بر اصل استصحاب، اصل را بر موات بودن زمین گذاشت، زیرا مسلم است که اراضی در گذشته غالباً موات بوده اند و در صورت شک در احیای منجدد آنها، اصل موات بودن آنهاست، مگر خلاف آن ثابت گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی